ماندگار

روزنامۀ صبح افغانستان

چاپ همزمان: کابل – هرات

پخش همزمان: بلخ، پروان، پنجشیر، میدان وردگ و کاپیسا

www.mandegardaily.com

سال نهم ❁ شمارۀ ۲۱۲۶ ❁ دوشنبه ۱ عقرب/ آبان ۱۳۹۶ ❁ ۳صفرالمظفر ۱۴۳۸ ❁ ۲۳ اکتوبر ۲۰۱۷

لامارتین

وجدان، همواره حقیقت را خلق می‌کند.

جبههٔ ملی نوینِ افغانستان:

غنی در پی مهندسی انتخابات است

صفحه ۳

برکناری پنج کارمند و دو دسته‌گی در کمیسیون شکایات

پس از برکناری پنج کارمند بلند رتبه کمیسیون شکایات انتخاباتی از سوی رییس این کمیسیون، اکنون اختلافات میان رییس و اعضای ارشد این کمیسیون بالا گرفته است.

ماجرا از آن جا شروع می‌شود که عزیز الله آریایی رییس کمیسیون شکایات انتخاباتی پنج کارمند بلند رتبه این کمیسیون را از سمت‌های شان برکنار می‌کند. برکناری که بعدتر از سوی برخی از اعضای دیگر این کمیسیون مغرضانه و خلاف قانون گفته می‌شود.

ولید اکبر سروری معاون مسلکی دارالانشاء، صبغت الله تمیم رییس تحلیل و بررسی، فضل الرحمن عمرخیل و دو تن دیگر از مسوولین دیپارتمنت‌های کمیسیون شکایات انتخاباتی از جمله کارمندان اند که به دستور رییس کمیسیون شکایت انتخاباتی برکنار شده‌اند.

تزویر در دستگاه حاضری الکترونیکی، تمرد در برابر حکم رییس جمهور، ایجاد موانع در برابر برنامه‌های اصلاحی کمیسیون، عدم اطاعت از اوامر قانونی آمرین مافوق، مقاومت و تمرد در برابر فیصله‌ها و تصامیم کمیسیون، تعلل و پای گریزی از وظیفه، عدم حضور در کارهای گروپی کمیسیون، ایجاد دوگانگی در امور دارالانشاء، ممانعت از بررسی هیئت موظف کمیسیون از شعبه مربوط، ارتکاب تخلفات اداری مکرر از جمله دلایل برکناری این پنج کارمند از سوی آقای آریایی خوانده شده است.

دلایل که اکنون رییس کمیسیون شکایات انتخاباتی به منظور رسیدگی جهات جرمی آن به اداره دادستانی کل و دادستانی اختصاصی مبارزه با فساد ارسال کرده است.

دستور برکناری پنج کارمند بلند پایه کمیسیون شکایات انتخاباتی از سوی رییس این کمیسیون اما سبب بالا شدن اختلافات میان اعضای ارشد این کمیسیون شده است.

حمیرا حقمل معاون کمیسیون شکایات انتخاباتی این تصمیم عبدالعزیز آریایی رییس کمیسیون شکایات انتخاباتی را مغرضانه و مغایر قانون انتخابات، قانون کار و قانون خدمات ملکی عنوان کرده و آنرا لازم اجرا نمی‌داند.

معاون کمیسیون شکایات انتخاباتی گفته که رییس کمیسیون شکایات انتخاباتی تصمیم برکناری این کارمندان را بدون بررسی‌های اولیه گرفته است. وی تاکید کرده که این فیصله از اساس غیر موجه و مبتی بر سلیقه‌ها، عقده‌ها و دسیسه‌های از قبل طرح ریزی شده بوده و هیچ گونه اعتباری قانونی نداشته و قابل اجرا نیست. گفته‌های که بعد تر از سوی رییس دارالانشای این کمیسیون نیز تایید شده است.

بانو حمقل از عبدالعزیز آریایی رییس کمیسیون شکایات انتخاباتی خواسته که در پیوند به این تصمیم غیرقانونی به ریاست تفتیش داخلی و مدیریت امنیتی دستور بدهد که کاری را در این زمینه انجام ندهد و در غیر آن مسوولیت عواقب بعدی این قضیه به دوش آنان خواهد بود.

همزمان با این محمد علی ستیغ رییس دارالانشای کمیسیون شکایات انتخاباتی نیز درستی دلایل برکناری این پنج کارمند را به شدت رد کرده و تصمیم رییس کمیسیون شکایات انتخاباتی را سیاسی و ظالمانه خوانده است.

آقای ستیغ با آنکه تصامیم رییس کمیسیون شکایت انتخاباتی را لازم الاجرا نمی‌داند اما برعکس وی را به تلاش‌ها... ادامه صفحه۶

صفحه ۶

دري میاشتې وخت راکړئ په پکتیا کې ۱۴لویې پروژې پلې کوم

صفحه ۶

«پاکستان روابط بازرگانی را قربانی بازی‌های سیاسی نکند»

صفحه ۳

مبارزه با آخرین موارد پولیو

رییس مجلس سنا:

به‌خاطر خدا همه زندانیان طالبان را اعدام کنید

اعضای مجلس سنا می‌گویند که دولت افغانستان باید در واکنش به حملات تروریستی اخیر طالبان در ولایت‌های مختلف کشور، تمامی زندانیان طالبان به شمول انس حقانی را اعدام کند.

فضل‌هادی مسلم‌یار رییس مجلس سنا دیروز از حکومت خواست حکم دادگاه را بالای زندانیان طالبانی که به اعدام محکوم شده‌اند، تطبیق کند.

آقای مسلم‌یار تأکید ورزید که حکومت باید برای انتقام گیری از طالبان، زندانیان این گروه و انس حقانی مسوول مالی شبکه حقانی را «به خاطر خدا و ملت افغانستان» اعدام کند.

محمد علم ایزدیار معاون اول مجلس سنا نیز از حکومت انتقاد کرد که در برابر طالبان قدرت عمل از خود نشان نمی‌دهد و چرا زندانیان این گروه را اعدام نمی‌کند.

آقای ایزدیار افزود، حکومت باید به فرهنگ معافیت پایان دهد و تروریستان را مجازات کند.

او نیز گفت که حکومت باید آن عده از زندانیان طالبانی که حکم اعدام‌شان صادر شده را بدار بکشد.

براساس گزارش‌ها حکم اعدام حدود ششصد طالب زندانی به شمول انس حقانی از سوی دادگاه‌های سه‌گانه کشور تایید شده اند، اما این احکام تا هنوز عملی نشده است.

از سوی دیگر، سناتورها وضعیت امنیتی کشور را نگران کننده و غیر قابل تحمل خوانده و حکومت به ویژه نهادهای امنیتی را به غفلت متهم کردند.

به گفته این سناتورها، نهادهای امنیتی مسوول افزایش نا امنی‌ها در کشور اند و باید به مردم افغانستان پاسخگو باشند.

رییس مجلس سنا گفت: «دشمن به هر شکلی تلاش می‌کند پلان‌هایش را توسط اجیران خود عملی کند، ولی باید در برابر آنان مقاومت صورت گیرد؛ نهادهای کشفی و استخباراتی در عدم جلوگیری از حملات دشمن بی‌غیرتی و غفلت کرده اند که قابل بخشش نیست».

آقای مسلم‌یار با تاکید بر حمایت از نیروهای امنیتی گفت که نهادهای امنیتی و کشفی کشور مسوولیت دارند به سوالات مردم افغانستان پاسخ دهند.

سناتورها با اشاره به حملات... ادامه صفحه ۶

سخن ماندگار

همه‌جا گلیـمِ غم
و ابرویِ غنی بی‌خم

در روزهـای گذشـته، کابـل و برخـی ولایت‌هـا شـاهد حملاتـی گسـترده از جانـبِ طالبـان و داعشـیان بـود کـه طـی آن‌هـا بیـش از صـدَ تـن کشـته و صدهـا تـنِ دیگـر زخمـی شـدند. ایـن حمـلات، درسـت هم‌زمـانَ بـا عملـی شـدنِ راهبـرد جدیـدِ امریـکا در برابـر طالبـان و داعـش صـورَت گرفته‌انـد. این‌کـه یـک طـرفِ ایـن حمله‌هـا، طالبـان و داعشـیان و نیروهـای مخالـفِ دَولـت انـد، حرفی‌سـت درسـت و خبـر از موفقیـتِ آنـانَ در ایـن حمـلاتِ ویرانگـر و تروریسـتی می‌دهـد؛ امـا از جانـب دیگـر، دَولـت افغانسـتان چنـان ناتـوان و بـی‌کاره در نظـر مـردم جلـوه کـرده اسـت کـه گویـی اصـلاً وجـود نـدارد!

ایـن روزهـا مـردم نسـبت بـه آن‌چـه کـه دولـت بیـان می‌کنـد، سـخت بی‌بـاور شـده انـد و سـوال‌های بی‌شـماری در ذهن‌شـان شـکل گرفتـه اسـت. سـوالِ درشـت ایـن اسـت کـه چـرا دولـت نمی‌توانـد مانـعَ عملـی شـدنِ عملیات‌هـای طالبـان شـود و چـرا حکومـت از گذشـته درَس نگرفتـه اسـت؟ چـرا بـا همـهٔ رویدادهـای وحشـتناک، تغییراتـی در بخش‌هـای مهـم نهادهـای امنیتـی رونمـا نمی‌شـود؟ چـرا دولـت مانـعَ وارد شـدنِ صدهـا تُـن مـواد انفجـاری بـه کابـل نمی‌شـود؟ چگونـهَ این‌همـه اتفـاق وحشـتناک در کابـل و دیگـر ولایت‌هـای کشـور به‌سـاده‌گی صـورت می‌گیـرد، امـا گاهـی کـه یـک مـوردِ آن بـه شـکل تصادفـی توسـط نیروهـای امنیتـی خنثـا می‌گـردد، سـروصدای نهادهـا بـالا می‌شـود کـه چنیـن دسـتاوردی داشـته انـد؟

بـه نظـر می‌رسـد کـه در کنـار این‌کـه مشـکل در نهادهـای امنیتـی و روش کاری‌شـان و عـدم فعـال بودن‌شـان به‌خصـوص در بخش‌هـای اسـتخباراتی و کشـف وجـود دارد، بخـش دیگـر و اصلـی آن بـه نحـوهٔ مدیریـت و رهبـریِ ایـن نهادهـا برمی‌گـردد. امـا مشـکلاتِ بزرگ‌تـر و مهم‌تـرَ از همـه، در ارگ ریاسـت جمهـوریَ اسـت؛ ارگـی کـه امـروزه همـهٔ کارهـا را در کنتـرل دارد، از جملـه فرماندهـی همـهٔ نیروهـای مسـلح کشـور را. آگاهـان، ناتوانـی و عـدم درکِ آقـای غنـی بـه عَنـوان سـرقوماندان اعـلای قـوای مسـلحَ در مسـایل نظامـی را، از دیگـر دلایـلِ ضعـفِ نهادهـای امنیتـی می‌داننـد و باورشـان بـر ایـنَ اسـتَ کـه در ایـن زمینـه بایـد اصلاحاتـی ایجـاد شـود. نهادهـای امنیتـی کشـور به‌شـدت قومـی شـده انـد و همیـن امـر، دلیـل اصلـی نفـوذ دشـمن بـه ایـن نهادهـا شـده اسـت. فسـادهای مالـی، دلیـل دیگـر موفقیـتِ دشـمن اسـت. امـا آن‌چـه کـه بـه رییـس جمهـور برمی‌گـردد ایـن اسـت کـه نـه توانایـی لازم بـرای حـلِ مشـکلاتِ امنیتـی و نظامـی را دارد و نـه برداشـتِ درسـتَ از وضعیـتِ سیاسـی و عمومـیِ افغانسـتان را. بـه همیـن دلیـل اگـر در یـک روز هـزار نفـرِ هـم بـه قتـل برسـد، خمـی بـه ابـروی آقـای غنـی نمی‌آیـد، چنان‌کـه بارهـا چنیـن چیـزی تَجربـه شـده اسـت.

اعلامیه‌هایـی کـه اخیـراً نهـاد ریاسـت جمهـوری صـادر کـرده اسـت، اقـدام درسـتی در برابـر وضعیـتِ موجـود نیسـت. فقـط بـا ورق صـادر کـردن و نوشـتن چنـد حـرف از آدرس ریاسـت جمهـوری، مـردم بـه آرامـش نمی‌رسـند و دشـمن هـم چیـزی را حـس نمی‌کنـد؛ بـه خصـوص وقتـی کـه آقـای غنـی بگویـد دشـمن چـون تـوان نظامـی نـدارد، دسـت بـه چنیـن حمـلاتِ بُزدلانـه می‌زنـد- کـه ایـن سـخن بسـیار خـام، تکـراریَ و خسـته‌کننده اسـت! دشـمن در حمـلاتِ جبهه‌یـی نیـز نشـان داده کـه می‌توانـد بیشـتر از این‌هـا جنَایـت کنـد امـا ایـن حکومـت اسـت کـه هیـچ تغییـری را در راهبـرد و میکانیسـم‌های نظامـی بـه رسـمیت نمی‌شناسـد و هـر روز تماشـاچیِ قربانی‌شـدنِ مـردم هسـت.

بـرای کسـی کـه نـام «رییـس جمهـور» را بـا خـود حمـل می‌کنـد، زیبنـده ایـنَ اسـت کـه در چنیـن شـرایط خطیری، دسـت بـه اصلاحـاتِ بسـیار گسـترده و فـارغ از دغدغه‌های قومـی و تبـاری بزَنـد و نهادهـای امنیتـیِ کشـور را از گـروگانِ حلقـاتِ مشـکوک و نامطلـوب بیـرون بکشـد. مسـلماً تـا زمانـی کـه تغییـراتِ اساسـی در نهادهـای امنیتـی رونمـا نشـود، ناامنـی و دهشـت‌گری و قربانی‌شـدنِ مـردم ادامـه خواهـد داشـت.

هیـچ؛ فقـــط

***** زبیـر رضوان *****

انفجـار خطرنـاک بـود. شیشـه‌ها لرزیدنـد. احتمالاً همیـن نزدیکی‌هـا بود. مشـخص نبود صـدا از کدام طـرف آمـد. لعنتی‌هـا سـاعت ده شـب هـم کابل را آرام نمی‌گذارنـد.

از خـواب پریـده بـودم امـا هنـوز در بسـتر قـرار داشـتم. چشـم‌هایم را دوبـاره بسـتم و فقـط بـه صحنـهٔ بعـد از انفجـار فکـر کـردم. به تمـام آن در و دیوارهایـی کـه ممکن اسـت این انفجـار آن‌ها را ترکانـده باشـد، بـه تمـام آن نظامیـان و غیرنظامیانی کـه پـس از انفجـار اگـر زنـده مانده‌انـد و اندکـی بـه هـوش آمده‌انـد، شـروع کرده‌انـد بـه بلندبلنـد گریسـتن و جیـغ زدن. بـه تمـام آن دسـت‌ها و پاهـای جـدا افتـاده. بـه تمـام آن شیشـه‌های ریخته و بـه امبولانس‌هایـی کـه قـرار بـود از راه برسـند. زخمی‌هـا تـا رسـیدن امبولانس‌هـا بایـد زجـز بکشـند و هیـولای تـرس و خـون را دور و برشـان ببینـد. دیـدم نمی‌توانـم آرام بگیـرم. بالاخره سـعدی درسـت گفتـه که مـا هم بنـی‌آدم هسـتیم و اعضای همدیگـر. به‌جـز انتحارکننـده، دیگـر تمام سـاکنین شـهر کـه پانـزده سـال اسـت بـه انتحـاری عـادت کرده‌انـد، ایـن سـخنِ سـعدی را خـوب می‌فهمنـد و بعـد از شـنیدن صَدای هـر انفجـار، بـه سـوی تلویزیون‌هـا، رادیوهـا و یـا فیسبوک‌های‌شـان می‌دونـد. پـس از اطـلاع از مـکان دقیـق انفجـار، اگـر کسـانی از نزدیکان‌شـان در آن دور و بـر بـود، حتمـاً بـه رسـم احوال‌گیـری زنگـی هـم می‌زننـد و وارخطـا جویـای تندرسـتی آن‌هـا می‌شـوند.

بـه فیسـبوک رفتـم و یک‌راسـت بـه صفحـهٔ Ka-bul Security سـر زدم. دیدم هنوز کسـی پست نگذاشـته اسـت. نوشـتم: «صدای انفجـار نیرومندی شـنیده شـد، کسـی می‌دانـد کجـا بـود؟» بالافاصله یـک نفـر کـه شـاید صـدا را نشـنیده بـود و یـا هم انفجـار و مـرگ تکـراری دیگـر برایـش معنایی نداشـت، دیـدگاه گذاشـت: «زیـر خایـه‌ات بود.» حوصلـهٔ پاسـخ نوشـتن را نداشـتم. دیـدگاه دوم نوشـت: «بلـی مـن هم شـنیدم دوسـت عزیـز، خدا خیـر کند!»

بـرای یـک درس کوچـکِ اخلاقـی دیـدگاه دومـی را لایـک زدم تـا اولـی کمَـی احسـاس شـرمنده‌گی کنـد. شـاید هـم نکنـد امـا مهـم نیسـت. حـق دارد ایـن حادثه‌هـا را و آن‌هایـی کـه انفجـار را جـدی می‌گیرنـد تمسـخر کنـد. چنـد ثانیـه بعـد، یکـی دیگـر آمـد و زیـر دیـدگاه اولی نوشـت: «شـرمندهٔ اخلاقـت». یـک نفـر دیگـر هـم در ریپـلای آن‌هـا فقـط «خخخخخ» نوشـت. دیدگاه‌هـای دیگـری هـم آمدنـد. توجـه نکـردم و رفتـم ببینـم در خـود صفحـه چـه خبـر اسـت. ده دقیقـه گذشـته بـود و بـر اسـاس تجـارب، بایـد تـا حـالا از مـکان دقیـق انفجـار خبـری دسـت به دسـت شـده باشـد. دیدم پسـت‌های زیـادی گذاشـته‌اند و چنـد تـای اولِ آن فقـط نوشـته بودنـد که صـدای انفجار را شـنیده‌اند. در پسـت‌های بعـدی، کم‌کـم یـادآور شـده بودنـد کـه صـدای انفجـار را از کـدام سـو شـنیده‌اند. مثـلاً نوشـته بودنـد «صدای مهیبـی از سـوی کارتهٔ پـروان شـنیده شـد.» مـن در کارتـهٔ پـروان بـودم و می‌فهمیـدم کـه انفجار کمـی دورتـر از کارتهٔ پروان اسـت، بنابریـن خبـر او را لایـک نـزدم. بـه پسـت دیگر رفتم. نوشـته بـود: «انفجار نزدیـک مکروریان بـود.» دیگـری بـه منطقـهٔ افشـار اشـاره کـرده بـود امـا مطمیـن بـودم که هنوز هیچ‌کسـی دقیق ننوشـته اسـت. بایـد چنـد دقیقـهٔ دیگـر صبـر می‌کـردم تـا کم‌کـم خبـر دقیـق را بخوانـم. پنـج دقیقـهٔ دیگـر گذشـت و یـک نفـر پسـت تـازه گذاشـت: «یـک موسسـهٔ خارجی در شـهر نو هدف حملـهٔ انتحاری قـرار گرفته اسـت.»

گفتم: «خدای من بازهم شهر نو!»

از انفجـاری کـه در کابل سیتی‌سـنتر شـده بود هنوز دو روز می‌گذشـت. ایـن تروریسـتان چقـدر فعـال انـد. لعنتی‌هـا ماشـین آدم‌کشـی انـد. شـاید هنـوز خـون دیوارهـای انفجـار اولی نخشـکیده باشـد. به ناتوانـی دولـت تأسـف خـوردم و برای یـک لحظه بـه فکـر فـرو رفتـم و پرسـش همیشـه‌گی در ذهنم جـان گرفـت؛ "آخـر چـه خواهد شـد؟" پاسـخش هم همیشـه یکـی بـود: هیچ!

پانـزده سـال زمـان کمـی نیسـت، می‌توانـد یک‌چهـارمِ عمـر آدم باشـد. در افغانسـتان بـا توجه بـه وضعیـتِ بهداشـتی، روانـی و امنیتـی ممکـن اسـت نصـف عمـر آدم بـه حسـاب آیـد. در ایـن مـدت بیـم انفجـار خیلـی اندک شـده اسـت. ترس تنهـا بـرای همـان چنـد لحظـهٔ پـس از انفجـار در شـهر می‌پیچـد و تمـام. پاسـخ پرسـش ذهـن همه، همـان هیـچ اسـت. یـک هیـچِ کلان بـرای هـر دو طـرف؛ قربانـی و حمله‌کننـدهَ. مـردم راهـی جـز سـکوت و فراموشـی ندارنـد. راهی جـز فکر کردن بـه این‌کـه ایـن مـرگ نابهنـگام ممکن اسـت دامن هرکسـی را در هرجایـی بگیـرد. از این‌کـه مـرگ این‌قـدر عـادی شـده اسـت دلم فشـرده شـد و یاد ترانه‌یـی افتـادم کـه جدیداً خوانـده بودنـد: «بخوان مـرا بـه اسـم کوچکـم کـه انتحـاری اسـت...»

صـدای آژیـر چنـد تـا امبولانـس از دور آمـد. از فکرهایـم بیـرون شـدم. از جایـم بلنـد شـدم. رفتـم دم پنجـره و بـازش کـردم. هـوای خنـک و لذت‌بخشـی بـه صورتـم خـورد. صـدای آژیـر امبولانس‌هـا نوسـان داشـت. صـدا مثـل مـوج ضعیـف رادیویـی، بلنـد و پاییـن می‌شـد. صـدای دلهـره‌آورِ امبولانس‌هـا همیشـه گویای یـک فاجعهٔ بـزرگ اسَـت. یـادم آمـد پدرکلانـم را کـه پیـش از درگذشـتش بـه بیمارسـتان انتقـال می‌دادنـد؛ چقدر بـا ایـن آواز امبولانـس حساسـیت پیدا کـرده بودم. کنـار پدرکلانـم در درون امبولانـس نشسـته بودم و هرلحظـه می‌خواسـتم صـدای امبولانس خفه شـود، امـا چاره‌یـی نداشـتم. باید ایـن آژیر روشـن می‌بود تـا راننده‌هـا بـرای امبولانـس راه می‌دادنـد. آژیـر امبولانـس از یک‌سـو و نفس‌نفـس زدن پدرکلانـم بـه سـختی از سـوی دیگر، دلـم را تنگ کـرده بود. حـالا، پـس از انفجـار آژیـر امبولانس‌هـا بـه ایـن می‌مانـد کـه کابـل گریـه کنـد. از پشـت پنجـرهٔ طبقـهٔ ششـم اپارتمانـی کـه مـن از چنـد سـالی در آن زنده‌گـی می‌کـردم، بخشـی از شـهر پیـدا بـود. خانه‌هـا آرام پهلـوی همدیگـر لمیـده بودنـد. خانه‌هـای بزرگ‌تـر و بلندتـر چراغ‌هـای روشـن‌تری داشـتند و خانه‌هـای کوچک‌تـر و یک‌منزلـه، یـا چراغ‌هـای کم‌نـور داشـتند و یـا هـم چراغ‌هـای شـان خامـوش بودنـد. بالاخـره سـاعت حـدود ده‌ونیـم شـب شـده بـود و مـردم غریـب بایـد وقت‌تـر می‌خوابیدنـد تـا فـردا وقت‌تـر بیدار می‌شـدند تـا بـه کارهای‌شـان برسـند.

از پشـت ایـن پنجـره بـه چیزهـای زیـادی می‌شـد فکـر کـرد. بـه خـط درشـتی کـه بیـن فقـرا و سـرمایه‌داران کشـیده شـده بـود، بـه خانه‌های‌شـان کـه گویـای وضعیـت و سـطح زنده‌گی‌شـان بـود، بـه فسـاد گسـترده‌یی کـه ماننـد خـون گندیده‌یـی در زیـر پوسـت کابـل جریان داشـت و به سـاده‌گی بـه چشـم نمی‌رسـید. تنهـا رسـانه‌ها و فیسـبوک مـچ فسـاد را می‌گرفتنـد و آن را افشـا می‌کردنـد. نتیجـه‌اش امـا همان هیچ بـود. تغییـری در کار نبود و هـر روز تنهـا بـه حجم اخبـارِ بد افزوده می‌شـد. تلیفونـم لـرزهٔ خفیفی کرد. تماسـی ناموفق از شـهلا بـود. دوسـه سـالی می‌شـود که نامـزد اسـتیم. این انفجـار حتمـاً او را هـم از خواب بیـدار کرده. زنگ زدم. بعـد از تـک زنگی پاسـخ داد: «بلـه، جواد؟»

ـ «سلام عزیزم.»

ـ «چه شده... انفجار طرف شما بود؟»

ـ «نـه عزیـزم نگـران نباش. کمـی دورتر بود. شـهر نو.»

نفسـی از سـر راحتـی کشـید و گفـت: «خدایـا شـکرت... جـواد خیلـی ترسـیدم.»

ـ «من هم ترسیدم. صدای وحشتناکی داشت.»

ـ «اگـر صدایت را نمی‌شـنیدم از نگرانـی می‌مردم... خوب شـد تلیفونت روشـن بود.»

گفت‌وگـو تـا خداحافظـی ادامـه یافـت. انفجـار فراموش‌مـان شـده بـود. صـدای شـهلا کمـی از دلهـره‌ام کاسـت.

سـروصدای امبولانس‌هـا هنـوز به گوش می‌رسـید. دوبـاره بـه فیسـبوک رفتـم و بـه صفحـهٔ عمومـی سـر زدم. همـه از انفجـار و تلفـات نوشـته بودنـد. کسـی نوشـته بـود ۱۰ نفـر کشـته شـده‌اند و کسـی هـم نوشـته دو نفـر. معلـوم نبـود شـمار دقیـق کشته‌شـده‌ها چقـدر بـود. با خـود فکر کردم شـاید بـرای این‌کـه سـاعت ده شـب جاده‌هـای کابـل چنـدان بیروبـار نـدارد، تلفـات کـم باشـد.

خسـته‌گی فشـارم می‌داد. گفتـم هرچـه باشـد فردا مشـخص می‌شـود. فـردا تمـام رسـانه‌ها و سـراسـر فیسـبوک پُـر خواهنـد شـد از شـمار دقیق کشـته‌ها و زخمی‌هـا. امـا چـرا عطـش دانسـتن ایـن تلفـات را داشـتم؟ پاسـخی جـز همـان هیـچ نداشـتم. می‌خواسـتم بـرای چـه بدانـم؟ بـرای هیـچ.

گفتم: «باید بخوابم. فردا بسیار کار دارم.»

دوبـاره دم پنجـره رفتـم. یک‌بـار دیگـر بـه پاییـن دیـدم. یکـی از مغازه‌هـا بـاز بـود. مردی بـا خریطهٔ پُـر از خوراکـی از آن بیـرون آمـد. دروازهٔ موتـرش را بـاز کـرد، خریطـه‌اش را جابه‌جـا کـرد و رفـت از دروازهٔ دیگـر پشـت فرمـان نشسـت. چراغ‌هـای موتـرش روشـن شـدند و مـن موتـر را تـا جایـی کـه بـه یک کوچـهٔ دیگـر پیچیـد و از نظـرم ناپدید شـد، دنبـال کـردم. مـن مانـدم و فکرهـای پشـت شیشـه. ایـن بـار به این می‌اندیشـیدم که کابل شـهر عجیبی‌سـت، مـرگ و زنده‌گـی در آن یک‌سـان جریـان دارد. پنجـره را کـه بسـتم، هـوای خنـک متوقـف شـد امـا صـدای گریـهٔ کابـل هنوز شـنیده می‌شـد و بـا عبـور و مـرور امبولانس‌هـا کم‌وبیـش می‌شـد.

رفتـم و آرام در بسـترم خزیـدم اما خوابـم نمی‌برد. بـه چـه فکر می‌کـردم؟ به هیـچ!...

مبارزه با آخرین موارد پولیو

طالبان:

واکسیناسیون یک توطیهٔ غربی است

بیماری پولیو یا فلج اطفال حالا فقط در دو کشور دیده می‌شود. این بیماری در واقع باید تاکنون ریشه‌کن می‌شد اما به دلیل جنگ این بیماری دوباره شایع شد. در افغانستان، تیم مبارزه با پولیو باید با شورشیان نیز مقابله کنند.

به گزارش خبرگزاری آلمان، یک هفته قبل برنامه واکسیناسیون شروع شد. یک هیأت به مناطق افغانستان سفر کرده است تا از فرماندهان محلی، ملاها و افراد داوطلبی که نگران سلامتی کودکان هستند، بخواهد تا با پدر خانواده‌ها صحبت کنند. این افراد هر بار توضیح می‌دهند که بیماری فلج اطفال چیست و چطور باید پسران و دختران خردسال در مناطق روستایی افغانستان در مقابل آن محافظت شوند. گاهی برنامه واکسیناسیون به دلیل جنگ در برخی مناطق به تعویق می‌افتد. کارکنان برنامه پولیو منتظر می‌مانند تا آخرین گلوله شلیک شود اما در واقع آن گلوله آغاز جنگ دیگری است.

افغانستان در همسایگی پاکستان قرار دارد؛ کشوری که به گفته «سازمان محو جهانی پولیو»، در سال روان موارد جدیدی از پولیو یا فلج اطفال در آن دیده شده است. در جاده های این کشورغالبا قربانیان این بیماری به چشم می خورند. «سازمان صحت جهانی» هشدار داده است که از هر ۲۰۰ مورد ابتلا، یکی منجر به فلج دائمی کودک می شود. در واقع از همین موارد هم باید با واکسین جلوگیری صورت گیرد. اتفاقی نیست که این ویروس در کشورهایی باقی مانده است که جنگ در آن ها جریان دارد.

با این همه، خبر خوش این که شمار مبتلایان جدید به این ویروس به طور قابل توجهی کاهش یافته است. در افغانستان در سال ۲۰۱۵ فقط ۲۰ مورد از این بیماری گزارش شده، در حالی که در سال روان شمار آن به هفت مورد رسید. در پاکستان شمار ابتلا به این ویروس از ۳۰۶ مورد در سال ۲۰۱۴ به پنج مورد در سال روان رسیده است. پس از حمله بزرگ نظامی علیه شورشیان، تیم مبارزه با پولیو نهایتا از سال ۲۰۱۵ توانسته است به بیشتر کودکان این مناطق دسترسی داشته باشد.

عایشه فاروق، رئیس «برنامه مبارزه با پولیو» پاکستان، پیش از روز جهانی پولیو (۲۸ اکتوبر) گفت: «اما خوب می دانیم که تا وقتی که شمار مبتلایان را به صفر نرسانیم، ممکن است دوباره به سرعت این بیماری شایع شود».

«سازمان صحت جهانی» نیز این نظر را تایید می کند. این سازمان می گوید تا وقتی که حتا یک کودک مبتلا باشد، همه کودکان جهان در خطر ابتلا قرار دارند. اگر یک ویروس پولیو وجود داشته باشد، این ویروس می تواند طی ده سال ۲۰۰ هزار کودک را مبتلا کند. به عنوان مثال افریقا تقریبا دو سال پیش عاری از ویروس فلج اطفال اعلام شد؛ اما در مناطقی در شمال شرق نایجریا، جایی که تحت کنترول شورشیان «بوکو حرام» قرار دارد، در سال ۲۰۱۶ بار دیگر یک نمونه ابتلا به این ویروس به چشم خورد. پس از آن، طی ۱۴ کمپین، ۵۸ میلیون کودک بار دیگر واکسین شدند. با این حال، هنوز حدود ۴۰۰ هزار طفل بدون واکسین در مناطق تحت کنترول شورشیان «بوکو حرام» زندگی می کنند.

در افغانستان اما این نگرانی بیشتر است. از زمان پایان ماموریت نظامی ناتو در سال ۲۰۱۴، طالبان بر ساحات بیشتری فعال شده اند.

در حال حاضر، شورشیان طالبان حدود ۱۱ درصد خاک افغانستان را در کنترول خود دارند و در حدود ۳۰ درصد این کشور حملاتی را انجام می دهند. در ماه اکتوبر امسال، یک سلسله برنامه های واکسیناسیون در هفت «منطقه» تحت کنترول آنها در ولایت قندهار انجام شد. بلافصله در منطقه دیگری در ماه جولای، یک مورد فلج اطفال از یک دختر ۱۸ ماهه گزارش شد.

میوند احمدزی، رییس بخش پولیوی وزارت صحت افغانستان می گوید که در دو منطقه دیگر کنترول طالبان، شورشیان کارکنان مبارزه با پولیو را به نوعی به گروگان گرفتند. او می گوید: «آنها به ما گفتند تا وقتی که دیگر مناطق تحت کنترول آنها از دیگر خدمات صحی بهرمند نشوند، آنها اجازه واکسیناسیون نیز ندارند». اما در پنج منطقه دیگر، نشانه ای از پولیو وجود نداشت.

برخی از شورشیان طالبان می‌گویند که واکسیناسیون یک توطئه غربی است که هدف آن عقیم سازی مسلمانان است. برخی دیگر می‌گویند که کارکنان مبارزه با پولیو جاسوس‌های حکومت هستند.

حالا تیم واکسیناسیون مذاکره می‌کند و این نخستین بار نیست. سال گذشته، آنها نتوانستند به ده ها هزار کودک در ولایت شمالی کندز برسند.

ریک ریپرکورن، رئیس «سازمان صحت جهانی» در کابل می گوید: «امسال این مسئله حل شده است». یک همکار افغان او می گوید که در برخی موارد طالبان به تیم واکسیناسیون کمک می کنند. او می گوید: «ما به آنها طالبان نمی گوییم بلکه آنها را یاریگر می نامیم چون آنها به مردم دسترسی دارند و ما به این مسئله نیاز داریم».

کارشناسان می‌گویند که ویروس پولیو فریبنده است. ممکن است فقط یک مورد از ابتلا، به بیماری منجر شود ولی با آن هم بسیاری‌ها می‌توانند بدون آن که بدانند این ویروس را داشته باشند. تا وقتی که چنین باشد، به سختی می توان شمار مبتلایان به این ویروس را در افغانستان به صفر رساند. ریک پیپرکورن می گوید که ناشناس ماندن یک ابتلا، غیرممکن است.

با این حال، ده ها هزار همکار داوطلب از ملاها گرفته تا تجار چشم دوخته اند که روزی بیماری پولیو کاملا از افغانستان ریشه کن شود.

جبههٔ ملی نوینِ افغانستان:

غنی در پی مهندسی انتخابات است

روح‌الله بهزاد

مسوولان حزب جبههٔ ملی نوین افغانستان می‌گویند، محمد اشرف غنی در پی مهندسی انتخابات آیندهٔ پارلمانی و ریاست‌جمهوری است تا زمینهٔ تقلب را فراهم کند.

انورالحق احدی، رییس این حزب دیروز یک‌شنبه، ۳۰ میزان در یک نشست خبری گفت که حکومت باید رییس جدید کمیسیون انتخابات را با مشورهٔ احزاب سیاسی تعیین کند.

آقای احدی افزود که کمیشنران کمیسیون انتخابات باید با مشورهٔ سیاسیت‌مداران و جریان‌های سیاسی تعیین می‌شد که این کار نشد؛ بنابراین ما اعتمادی به بی‌طرفی حکومت و کمیسیون انتخابات نداریم.

رییس حزب جبههٔ ملی نوین افغانستان با اشاره به برکناری رییس دبیرخانهٔ کمیسیون انتخابات، از رهبران حکومت وحدت ملی خواست تا رییس جدید دبیرخانه کمیسیون انتخابات را با مشورهٔ احزاب و جریان‌های سیاسی در کشور تعیین کند.

او گفت: «برکناری رییس دبیرخانهٔ کمیسیون انتخابات فرصتی را برای یک شخص کارکشته و تخصصی فراهم ساخت و به رییس‌جمهور می‌گویم شخصی را در این سمت نگذارد که تنها خودش بالای او اعتماد داشته باشد، بلکه باید آن شخص به مشورهٔ سیاسیون و طی یک پروسهٔ شفاف انتخاب شود».

آقای احدی از سران حکومت وحدت ملی خواست تا ابهام در پروسهٔ بایومتریک رأی‌دهنده‌گان را رفع کنند و هم‌چنان انتخابات آینده را با توزیع شناس‌نامه‌های الکترونیکی و با سیستم برقی برگزار کند، هرچند او می‌گوید: «حکومت افغانستان سه سال را برای برقی‌سازی پروسهٔ رأی‌دهنده‌گان در انتخابات پیش‌رو ضایع ساخت و اگر به همین روال پیش برود، تا ۱۰ سال دیگر هم این پروسه عملی نخواهد شد».

رییس حزب جبههٔ نوین در قسمتی از سخنانش بیان داشت که حکومت وحدت ملی در بسیاری از امور دولت‌داری ناکام بوده است. او تصریح کرد: وضعیت وخیم امنیتی به دلیل فقدان مدیریت درست صورت گرفته و حکومت وحدت ملی نیز همواره در این زمینه سکوت اختیار کرده است.

او در پیوند به حوادث اخیر در کشور اظهار داشت: «طرف مقابل ما فعلاً تروریستان هستند. این اعمال مخالفان را تقبیح می‌کنیم و خواهان مذاکرهٔ دولت افغانستان با طالبان هستیم تا مشکلات حل شود».

انوالحق احدی هم‌چنان به این باور است که حکومت وحدت ملی نهادهای عمدهٔ امنیتی را به کسانی داده است که تخصص در بخش امنیت ندارند و این کار سبب شده مخالفان مسلح دولت قوی‌تر از حکومت فعالیت کنند و از مردم قربانی بگیرند.

او با تأکید بر این‌که مسوولان نهادهای امنیتی باید در این باره پاسخگو باشند، افزود: انتحار و انفجاری که در این اواخر رخ داده است، نشان می‌دهد که حکومت جز عوام‌فریبی دیگر کاری ندارد.

آقای احدی هم‌چنان علاوه کرد که احزاب سیاسی به خاطر صلح در امارات متحدهٔ عربی با سران طالبان گفت‌وگو می‌کنند و ما امیدوار هستیم که در این گفت‌وگوی طالبان حرف تازه‌یی برای گفتن داشته باشد.

به گفتهٔ رییس حزب جبههٔ نوین، ما پیش از این نیز از نشست عمان توقعی نداشتیم. ما به مطمین هستیم که دولت برای مردم اصل موضوع را شریک نمی‌سازد و صرفاً عوام‌فریبی می‌کند.

گفتنی است که اخیراً گزارش‌هایی از فساد و اختلافات بین اعضای کمیسیون انتخابات بر سر قراردادهای تدارکاتی این کمیسیون منتشر شده بود که انتقاد نماینده‌گان مردم در پارلمان و جریان‌های سیاسی را در پی داشت.

روز شنبهٔ همین هفته نیز اشرف غنی در نشست مشترکی با اعضای کمیسیون انتخابات در ارگ ریاست‌جمهوری، به اعضای این کمیسیون گفت که مردم افغانستان برای شفافیت در انتخابات، نیاز به وحدت و کار تیمی اعضای کمیسیون انتخابات دارد.

یک روز پس از برکناری رییس دبیرخانهٔ کمیسیون مستقل انتخابات، کمیسیون مستقل شکایت‌های انتخاباتی از برکناری پنج کارمند ارشد این سازمان خبر داد. در مکتوبی که دیروز یکشنبه، ۳۰ میزان از سوی کمیسیون شکایات انتخاباتی صادر شد، آمده است: این

کمیسیون به خاطر دلیل‌های یادشده در زیر، معاون مسلکی دبیرخانه، رییس تحلیل و بررسی، رییس منابع بشری، آمر اسناد و ارتباط و مدیر حاضری‌اش را برکنار کرده است.

«تزویر در دستگاه حاضری برقی، تمرد در برابر حکم رییس‌جمهور در مورد سرپرستی معاونیت مالی و اداری، ایجاد مانع‌ها در برابر برنامه‌های اصلاحاتی کمیسیون، اطاعت نکردن از امرهای قانونی آمران ارشد، مقاومت و تمرد در برابر فیصله‌ها و تصمیم‌های کمیسیون، تعلل و پای‌گریزی از وظیفه، حضور نداشتن در کارهای گروهی کمیسیون، ایجاد دوگانه‌گی در امور دبیرخانه، ممانعت از بررسی هیأت موظف کمیسیون از بخش مربوط، ارتکاب تخلف‌های اداری مکرر و موارد دیگر...» از جمله دلایل برکناری این اعضای گفته شده است.

گفته می‌شود که این کمیسیون به خاطر رسیده‌گی به «جهت‌های جرمی» این پرونده، اشخاص برکنار شده را به دادستانی کُل و دادستانی اختصاصی مبارزه با فساد راجع کرده است.

ارگ ریاست‌جمهوری افغانستان همواره به تلاش برای مهندسی انتخابات افغانستان متهم بوده است. برخی از کارشناسان سیاسی برکناری رییس دبیرخانهٔ کمیسیون انتخابات را تلاشی برای ظاهرسازی اصلاحات در این کمیسیون عنوان کرده اند.

محمد شعیب صیقلی ////////////////////////بخش نخست

جوهرهٔ آشتی‌ناپذیرِ سلفی‌گری معاصر و درهم‌تنیده‌گی سیاسیِ آن

رویش، رشد، تکامل و بالنده‌گیِ منظومه‌های فکری و اندیشه‌یی در بسترِ هر مکتبِ فکری ـ تاریخی و نیز زوال و ذُبولِ آن امری‌ست طبیعی. در بستر تفسیرپذیری دین، ضمن قانون نانوشته‌یی، زایش و ریزش رویکردها، تلقی‌ها و نمادها، امری به رسمیت شناخته‌شده به نظر می‌آید. این نکته نیز حایز اهمیت است که منظومه‌های اندیشه‌گی در اثرِ درهم‌تنیده‌گی با پدیدارهای دیگری از قماشِ سیاست و اذیال و اذنابِ آن، صورتِ خوش‌خیم و بدخیم به خود می‌گیرند و در اثرِ این درهم‌تنیده‌گی، یک‌چنین ساختارهایی نمودی چندچهره می‌یابند.

جوهرهٔ آن‌چه زیر پرچم سلفی‌گریِ امروز اردو زده است، آمیزه‌یی‌ست از یک چارچوبِ فکری دارای مؤلفه‌های تیوریک و تا پیمانه‌یی آشتی‌ناپذیر که در مقیاس‌های متفاوتی، از قدرت و سیاست نیز بهره برده است. تجزیه و تحلیلِ مولفه‌های تیوریک این جریان، با تفکیکِ سلفیتِ اولیه و سلفیت نو، می‌تواند تا پیمانه‌یی انعطاف‌پذیری و امکانِ روحیهٔ تعامل با سلفی‌پسندی به عنوان یک مجموعهٔ باورشده را روشن نماید و از سویی، درهم‌تنیده‌گیِ این مجموعه با سیاست را به‌صورتِ واقع‌گرایانه توضیح دهد.

در پی‌گشتِ این مهم، به این نکته دست خواهیم یافت که این ریشه‌های باورِ سلفی ـ که مرکز ثقل مباحثِ وارد در قلمروِ شناخت اساسی‌ترین معرفت دینی، یعنی ساحتِ شناخت خدا و صفاتِ او را تشکیل می‌دهد ـ مانعِ رشدِ تعاملِ مسالمت‌جویانه با سایر مشرب‌های فکریِ جهان اسلام می‌گردد تا رویکردهای فقه‌محور معطوف به رفتارهای تعبدی. از این رو، بحثِ کنونی تلاشی‌ست گذرا برای ارایهٔ نقاط بحث‌برانگیز و قابل تأملِ کلامیِ معطوف به اندیشهٔ سلفی‌مآب، و کوششی‌ست در توضیح به‌هم‌تنیده‌گی‌های سلفیتِ معاصر با سیاست.

هر دو محور فکری و سیاسی به عنوان مانعِ مهمی در به آرامش رساندن فضای فکری ـ روانیِ جهان اسلام در عصرِ حاضر عرض وجود می‌کنند. این دو بُعد که در زمینهٔ هر دو تای آن روحیهٔ مدارا خشکیده و قدر مشترک میان سلفی‌گری با سایر مکاتب کلامی و حتا فقهی را به حداقل رسانده، همانا مشرب سلفی و یا کلام سلفی نسبت به صفاتِ خداست و آن دوم، به‌هم‌تنیده‌گیِ سلفیتِ جدید با هژمونی قدرت است که امروز در جای‌جایِ جهانِ اسلام حرفِ رسایی دارد.

انگارهٔ سلفیت نسبت به صفات خدا

این سخن در متن مکتبِ سلفیت قرار دارد که هر دلیلی [قرآن وسنت] ولو به‌ظاهر خبر از صفتی می‌دهد، بایستی صفتی از آن برگرفته شود. البته این‌هم از روی انقیاد و سمع؛ این حریمی‌ست که نه بدان پای عقل می‌رسد و نه قامتِ اجتهاد قد می‌دهد. این سخن به صحابه، تابعین، ائمه چهارگانه، لیث بن سعد، امام اوزاعی، دوسفیان، و... منسوب است.

بر این مبنا، صفات باری‌تعالی نخست به دو دسته تقسیم می‌شود:

۱. صفات سلبی، همانند آن‌چه خدا از خود آن‌ها را نفی نموده است، مانند خواب، مرگ و...

۲. صفات ثبوتی، که به دو گونه است:

ـ ذاتی

ـ فعلی

ذاتی به این معنا که به صورت لم‌یزل ولایزال خدا به آن متصف است، که بازهم به دوسته تقسیم می‌شود:

ـ عقلی: همانند، قدرت، علم، و...

ـ خبری: عبارت از آن‌چه که جز به سمع، از جهتِ دیگری قابل درک نیست. مانند وجه و یدین.

اما صفات فعلی آن است که به مشیّت خدا تعلق می‌گیرد، اگر خواست آن را انجام می‌دهد و الا فلا، و این باز به دو نوع است:

ـ عقلی: مانند خلق، رزق و...

ـ خبری: مانند مجی، نزول و استواء .

صفات خدا از منظر مکتب اشعری و ماتریدی

در این دو مکتب فکری، صفاتِ خدا در هفت و یا هشت صفت، مورد شناسایی قرار می‌گیرد. این باور، بیشتر به اشعری‌ها و ماتریدی‌ها متعلق می‌باشد. در این دو مکتب، صفاتِ خدا به چهار تقسیم توضیح داده می‌شود:

۱. نفسی؛ مانند وجود.

۲. سلبی؛ مانند قدم، بقاء و مخالفت با حوادث.

۳. معانی، که هفت مورد است: حیات، اراده، قدرت، علم، سمع، بصر، کلام.

۴. معنوی؛ حی، مرید، قادر، علیم، سمیع، بینا و متکلم.

اصحاب این رای، همهٔ آن‌چه را که رای سلفی در نظر نخست به عنوان «صفت» می‌شناسد، صفتِ خدا نمی‌دانند؛ مانند وجه، یدین، عین. دست‌کم در میان ماتریدی‌ها و اشعری‌ها این رای وجود دارد و از طرف‌دارانِ زیادی نیز برخوردار است که نصوص دال بر این مفاهیم، محضِ نصوصی‌اند که دلالت به صفتی ندارند، گرچند ظاهراً چنین اند، پس بایستی تأویلی در این‌ها جاری گردد. ولو برای اقناع دسته‌یی از مردم که به علت عدم عمق فهم، بیم افتادن در فتنهٔ آنان موجود باشد.

متقدمین مکتب اشعری و ماتریدی، صفت ید و وجه را ثابت می‌دانستند، مانند ابوبکر باقلانی. شمس‌الدین ذهبی در ابانه نقل می‌کند که باقلانی صفتِ علو را نیز باورمند بود.

سبب این است که ابومحمد عبدالله بن سعید که شیخ اشعری بعد از اعتزال به او پیوست، خود این صفات را ثابت می‌دانست، پس شیخ اشعری در این صفات دارای یک قول است که آن عبارت است از اثبات صفات ذاتی مانند وجه، یدین، عین و... . پس صفات قرآنی را همهٔ متقدمین اشاعره می‌پذیرند.

اما متأخرین اشاعره، در تأویل مرتکب غلو شدند، مانند ابوالمعالی امام الحرمین عبدالملک جوینی، امام غزالی و امام فخرالدین رازی. این گروه با معتزله نزدیکی نمودند، آنان صفتِ علو و صفات خبریِ قرآنی که متقدمین اشاعره به آن باورمند بودند را منکر شدند. از این‌رو برخی از مفسرین مانند بیضاوی این صفات را تأویل می‌کنند و روایات این‌که متقدمین صفات خبری را اثبات می‌نمودند را قول دوم در مشرب اشعری می‌خوانند.

اما صفاتِ فعلی‌یی که قایم به ذات خدا به مشئیت و اختیار او مانند قدرت، مجی، نزول، در هم پیچیدنِ آسمان‌ها و همانند آن‌ها می‌باشند را ثابت نمی‌دانند و آن را تأویل می‌کنند. به همین ترتیب، صفات ذاتی حدیثی را ثابت نمی‌دانند؛ زیرا آن را معارض با ادلهٔ عقلی می‌دانند. اما صفات خبری قرآنی، دست‌کم نزد متقدمین اشعری ثابت می‌باشد.

تفاوت ماتریدیه با اشعری‌ها در این است که آنان با همهٔ آن‌چه گفته شد، با اشعری‌ها متفق اند، مگر در صفتِ وجه و ید که ماتریدیه آن را ثابت می‌دانند. افزون بر این، صفتِ دیگری به نام تکوین را نیز باور دارند.

در نقد، آن‌چه می‌تواند ما را راهنمایی کند، خود متن است نه آن‌چه که شاید قصد نویسنده از نوشتن بوده است؛ زیرا هنگامی که متن عرضه می‌شود و در اختیار عموم قرار می‌گیرد، مولف دیگر بر متن سلطه ندارد و متن به چیزی مستقل تبدیل می‌شود و دیگر بسته‌گی به ما دارد که چه‌گونه با آن برخورد کنیم. خطای عاطفی نیز به خواننده مربوط است؛ یعنی خواننده مستعد است که چنین خطایی را مرتکب شود و واکنش عاطفی خود را با آن‌چه شعر به واقع بیان می‌کند، اشتباه بگیرد

نگاهی به شیوه‌ی نقد در ترجمه

نقد نو، نهضتی نقادانه در ادبیات است که از نظریه‌های ادبی متعدد و مختلفِ ناقدان انگلیسی و امریکایی از دهۀ ۱۹۲۰ پا گرفت و تا سال ۱۹۶۰ در امریکا و انگلستان نفوذ فراوان و حضور مسلط داشت. ریشه‌های این رویکرد را باید در آرای متیو آرنولد در قرن نوزدهم در امریکا جست‌وجو کرد.

تی اس الیوت، آ.آ ریچاردز، ویلیام امپسون و فرانک ریموند لی ویس از ناقدان انگلیسی و کلینت بروکس، ویلیام کرتز ویمسَت، آلن تیت، ریچارد پالمر بلَک مر، رابرت پن وارن و جان کرو رَنسام از منتقدان امریکایی، از دیگر کسانی بودند که در کامل کردن این نظریه نقش داشتند.

روش نقد نو، عینیت‌مند و روش‌مند است؛ زیرا در این نوع نقد «منتقد باید به بافت شعر رسوخ کند و با خوانشِ دقیق و جزء به جزء به معنا برسد.» (سبزیان مرادآبادی:۳۴۹،۱۳۸۸). مشخصۀ بارز این دیدگاه، توجه به خود متن و واژه‌گانی است که بر صفحۀ کاغذ نقش بسته است؛ منتقدان نقد نو معتقد اند که هنگام بررسی یک شعر باید آن را موجودی مستقل فرض کرد و به قول الیوت: «نقد صادقانه و ارزیابی دقیق باید معطوف به شعر باشد و نه معطوف به شاعر» (مکاریک:۴۲۹،۱۳۷۵). بی‌توجهی منتقدان پیرو نقد نو به تاثیرات شعر، به این معنی نیست که آن‌ها منکر ویژه‌گی خاص زبان شعری بودند. «همان‌طور که بروکس گفته است «زبان شاعر... زبانی است که در آن نقش معانی ضمنی، به اندازۀ معانی صریح اهمیت دارد.»

به اعتقاد منتقدان نو، شعر باید کاملاً تجربه شود تا بتواند تأثیرگذار باشد. آن‌طور که آن‌ها می‌گویند «شعر نباید معنی بدهد، باید [حضور داشته] باشد» و معنای این حرف آن است که پیامی که می‌توانیم از یک شعر استخراج کنیم، به احتمال نمی‌تواند حق مطلب را در پیچیده‌گی آن ادا کند. به جز کلیت متناقض‌نماها، تقابل‌ها و کنایه‌هایی که بین این تقابل‌ها و تناقض‌ها سازگاری برقرار می‌کنند، هر چیز دیگری می‌تواند تقلیل‌گرایانه و مخرب باشد.

این عادت خلاصه کردنِ شعر و دیگر آثار ادبی در یک یا دو عبارَت، از دید منتقدان پیرو نقد نو، گناهی نابخشودنی و ظلمی در حق شعر و در حق تجربۀ خود ما از شعر محسوب می‌شود.» (برتنز، ۳۹:۱۳۸۲)

منتقدان نقد نو، در برخورد با رویکردهای تقلیل‌گرایانه و مخرب، بسیار سخت‌گیر بودند. ویمسنت و بیردزلی در مقالات معروف خود، «خطای در نیت» و «خطای عاطفی» مخالفت خود را به شدت با این‌گونه تقلیل‌گرایی‌ها بیان داشتند. «خطای در نیت» با مولف سر و کار دارد و به این معناست که نیت شاعر از سرودن یک شعر یا نیت هر نویسنده از هر اثر ادبی را با آن‌چه روی صفحه کاغذ نقش بسته است، اشتباه بگیریم.

در نقد، آن‌چه می‌تواند ما را راهنمایی کند، خود متن است نه آن‌چه که شاید قصد نویسنده از نوشتن بوده است؛ زیرا هنگامی که متن عرضه می‌شود و در اختیار عموم قرار می‌گیرد، مولف دیگر بر متن سلطه ندارد و متن به چیزی مستقل تبدیل می‌شود و دیگر بسته‌گی به ما دارد که چه‌گونه با آن برخورد کنیم. خطای عاطفی نیز به خواننده مربوط است؛ یعنی خواننده مستعد است که چنین خطایی را مرتکب شود و واکنش عاطفی خود را با آن‌چه شعر به واقع بیان می‌کند، اشتباه بگیرد. به بیان ساده‌تر، نقدِ نو؛ معتقد به اصالت متن است و به اندیشه‌یی که به ذهن نویسنده رسیده است، نمی‌اندیشد؛ زیرا رسیدن به نیت نویسنده به عنوانِ معیاری برای نقد ادبی، نه دست‌یافتنی است و نه مطلوب. نویسنده و خواننده از نظرِ منتقدان این نهضت، دارای اولویت ثانویه هستند. منتقدِ نقدِ نو، در پی معنای متن نیست، بلکه می‌خواهد بداند متن چه‌گونه خود را بیان می‌کند. «این مکتب دنبال آن است که ببیند چه‌گونه بخش‌های مختلف متن با یک‌دیگر مرتبط می‌شوند، متن چه‌گونه نظم و هماهنگی پیدا می‌کند؛ طنز، متناقض‌نما، تنش، ایهام و ابهام را چه‌گونه در خود جای می‌دهد و حل می‌کند و اساساً به بیان خود «شعر بوده‌گی» یا جوهر خود شعر می‌پردازد.» (سلدن:۳۰،۱۳۸۴)

از مباحثی که در نقد نو مطرح شده است، می‌توان به بحث وحدت نظام‌مند اشاره کرد. ازنظر ناقدانِ نو، تجربۀ شعر به عنوان یک کل واحَد، امکان‌پذیر است، اما سخن گفتن دربارۀ آن مشکل است. «در این تجربه، خواننده شعر را «معنایی کلی» می‌انگارد که آمیزه هم‌زمان چندین معنا و چندین رسالت زبانی است... از یک‌سو هر جزو، تعیین‌کنندۀ کلیت یک معناست و از سوی دیگر، کلیت معنا نیز، معنای دقیق هر جزو را تعیین می‌کند... به نظر بروکس، شخص معنای شعر را نه با خواندن شعر به مثابه شعر، بلکه با «خواندن شعر... به مثابه یک کل درک می‌کند»» (مَکاریک: ۴۳۱،۱۳۷۵)

کلیدواژۀ دیگر در این نوع نقد «تجربه» است. از دیدگاه پیروان این نقد، شعر باید تجربه شود تا اثرگذار باشد. اما این تأکید بر اثرگذاری تجربه، نباید بر استقلال متن خدشه‌یی وارد کند و آن را تهدید کند؛ زیرا ممکن است تجربۀ متفاوت شاعران و خواننده‌گان تأثیر متن را کم و زیاد کند و به تبع آن، ارزش‌های متن از سوی فرستنده‌گان (شاعران) و گیرنده‌گان (خواننده‌گان) افزایش و کاهش یابد و این اتفاق مغایر با سخن منتقدان نقد نو است که بر استقلال متن تکیه دارند و ادبیات ارزش‌مند را به زمان، مکان و اشخاص محدود نمی‌دانند.

«به نظر می‌رسد که الیوت متوجه این تهدید گردیده و در برابر آن واکنش نشان داده است. او در مقاله‌یی به نام «سنت و قریحۀ شخصی»(۱۹۱۹) این نظر را گوشزد می‌کند؛ زیرا از سویی می‌خواهد اصول جاودانۀ کلاسیک را زنده نگه دارد و از سوی دیگر، نمی‌تواند «تجربه» را که «نقد نو» بدان تکیه می‌کند، نفی نماید.

بنابراین، از جوهر «تجربۀ انسانی» یاد می‌کند و آن را گسترش می‌دهد و به جای شخصی کردن رمانتیستی آن، آن را تعمیم می‌دهد. احساسات و هیجانات شخصی شاعر باید زدوده شوند و شایسته است که شاعر مانند یک دانشمند با دید علمی، عینی و دقت فراوان و بدون باورها و عواطف شخصی به جهان بنگرد و به جای تفرد رمانتیک و گزارش تجربۀ شخصی، پیرو سنت‌های ادبی باشد. او نباید ردی از شخصیت خود به جا بگذارد، بلکه تنها میانجی است تا بتواند سنت و تجربۀ انسانی را انتقال دهد.» (تسلیمی: ۲۵،۱۳۸۸).

الیوت این فرآیند نامشخص شدنِ احساسات فردی را همبستۀ عینی می‌نامدَ و معتقد است تنها راه بیان احساسات است: «رشته‌یی از عینیات، یک موقعیت، زنجیره‌یی از رخدادها که می‌تواند دستور کار «احساس ویژه»یی باشد و خواننده تنها همان احساس را دریافت نماید.» حذف احساسات شخصی، گرایش پیروان نقد نو را به فُرم نشان می‌دهد (فرمی که با محتوا و درون‌مایه و معنا درهم‌تنیده‌گی دارد). بدین معنا که ادبیات از نگاه آنان ارجاعی است؛ یعنی ادبیات به چیزی بیرون از خود رجوع می‌کند.» (تسلیمی: ۲۵،۱۳۸۸).

* ایرادهای وارد بر نقد نو

نقد نو از آغاز و به‌ویژه از دهۀ ۱۹۶۰ به این‌سو، همواره مورد حملۀ منتقدان بوده است. در حقیقت آن‌چه باعث این انتقادهاست، علاوه بر ندانم کاری‌های واقعی یا ظاهری منتقدان نو، به سبب پافشاری ناقدانِ نو بر اشاره به ادبیات به مثابه شعر بودَ؛ این پافشاری این انتقاد را برانگیخت که نظریه‌ها و روش‌های این دیدگاه، بیشتر بر شعر متمرکز است و سپس بر نمایش و شاید اصلاً به نثر داستانی مربوط نباشد.

ناقدان هرمنوتیکی نیز از این امر شکایت دارند که «نقد نو در حفظ تمایلات ضد اثبات‌گرایانۀ خود ناتوان است و به ورطۀ چشم‌اندازی «بیش از پیش فنی» سقوط می‌کند. نقد نو در دستانِ واپسین گزارنده‌گانِ خود و در جست‌وجویَ عینیت، به چیزیَ بیش از حد ملال‌آور و سطحی بدل شد، و [باعث شد] نادانسته غیر از امکانات تعالی‌بخش شعر، امکانات دیگری نیز از قوه به فعل درآید.

پل دومان مشکلات نقد نو را در این مورد ناشی از این نکته می‌داند که این رویکرد هیچ اهمیت و موضوعیتی برای نیت قایل نیست. وقتی آگاهی انسان (کانون توجه بررسی هرمنوتیکی) که ساختاری نیت‌مند دارد، همراه با موضوعِ شکِ منطقی نقد نو که همانا نیتِ ممکنِ شاعَر(وضعیت ذهنی او) است، به دور افکَنده شود، شعر به صورت ابژه‌یی طبیعی که موضوع مطالعۀ علم است و در تقابل با این آگاهی در می‌آید.» (مکاریک:۴۳۴،۱۳۷۵).

اگر به نظریه‌های این رویکرد توجه و در آن بازنگری کنیم، متوجه می‌شویم که نقد نو، نه خیر مطلق است و نه شر مطلق. «توجه نقد نو به خوانش دقیق، صرفاً کوششی جهت تقلید از توجهِ علم به واقعیات نبود، بلکه تلاشی بود برای مقابله با پذیرشِ حکمِ اثبات‌گرایی علمی از سوی محافلِ دانشگاهی... نقد نو تلاش کرد تا به شعر امکان دهد تا آن چیزی باشد که هست و می‌توان گفت که نقد نو، به‌رغم عناصر اثبات‌گرایانه و تجربی آن، در عصیان علیه اثبات‌گرایی و تجربه گرایی سهیم بود» (مکاریک:۴۳۵،۱۳۷۵) و توانست عامل مهمی در پیدایش نظریات پس از خود باشد.

منابع:

۱ـ برتنز، یوهانس ویلم(۱۳۸۲). نظریۀ ادبی (مقدمات). ترجمۀ فرزان سجودی. چاپ اول. تهران: آهنگ دیگر.
۲ـ تسلیمی، علی. (۱۳۸۸). نقد ادبی: نظریه‌های ادبی و کاربرد آن‌ها در ادبیات فارسی. چاپ اول. تهران: کتاب آمه.
۳ـ سبزیان مراد آبادی، سعید و کزازی، میرجلال‌الدین.(۱۳۸۸) فرهنگ نظریه و نقد ادبی، واژه‌گان ادبیات فارسی و حوزه‌های وابستۀ انگلیسی فارسی. چاپ اول. تهران: مروارید
۴ـ سلدن، رامان و ویدوسون، پیتر. (۱۳۸۴). راهنمای نظریۀ ادبی معاصر، ترجمه عباس مخبر، تهران: طرح نو.
۵ـ مکاریک، ایرنا ریما. (۱۳۷۵). دانش‌نامۀ نظریه‌های ادبی معاصر، ترجمۀ مهران مهاجر و محمد نبوی. چاپ دوم. تهران: آگه.

اعظم حسن تقی

غنی:

درې میاشتې وخت راکړئ په پکتیا کې ۱۴لویې پروژې پلې کوم

ولسمشر محمد اشرف غني د سې شنبې په ورځ د پکتیا مرکز ګردېز کې قومي مخورو او ولسي خلکو سره له فاتحې، غمشرکي او لیدنې وروسته په نظامي او ولسي غونډه کې د خبرو پر مهال ژمنه وکړه چې له دې ورځې وروسته پکتیا لومړی درجې ولایت ته ارتقاع کړې او د متوازن انکشاف د تیورې له مخې به په پکتیا کې ۱۴ لویې پروژې پلې کړي.

افغان ولسمشر محمد اشرف غني له پکتیاوالو علماو، قومي مخورو، ولسوالیو اوسېدونکو، په ولسي او مشرانو جرګه کې د پکتیا د خلکو له استازو، ولایتي شورا وکیلانو او مدني ټولنو سره د پکتیا په مرکز ګردېز کې د تېرې سې شنبې ورځ د پښې له املې د غمشریکي او فاتحې کولو څخه وروسته د ۲۰۳ تندر قول اردو قوماندانۍ د غونډو په تالار کې نظامي او ولسي غونډې ته د وینا پر مهال پکتیا د لومړی درجه ولایت اعلانولو ترڅنګ وویل:

«دا وارې به څو اقدامات درسره شریک کړم، لومړی غوښتنه مو دا وه چې پکتیا لومړی درجه شي، وشو او دویمه غوښتنه مو دا وه چې د زرمت او غزني سړک جوړ شي تر کار لاندې دی جوړېږي او شپږ نور سړکونه هم د یاري صاحب په پلان کې دي او په تفصیل به درسره شریک شي او درېیمه غوښتنه مو وه چې زرمت ولسوالۍ دې دوه شي نو بیګ صاحب اقدام کړی په راتلونکې یوه میاشت کې به دوه ولسوالۍ شي.»

ولسمشر زیاته کړه چې د غزني ګردېز ترمنځ سړک، ٦ نور سړکونه، زرمت دوه ولسوالۍ کول، د صنعتي پارک چارو پیل او پکې د مسلکي چارو ښوونځی جوړول، ۴۰ ورځو کې پکتیا ته د انتقالي برېښنا رسول، د روغتون لپاره دوه نیم میلیونه ډالر ځانګړې شوې بودجه انتقال او تشکیل پوره کول، په ګردېز کې د ساحوي روغتون شروع، حلقوي سړک، مچلغو او دوه نور بندونه په دغه کال کې پیلېږي، ۳٦ نویو ښوونځیو ته به د سږ بودجې نه پیسې انتقال او کارونه به یې پیل شي، د ولایت نوی تعمیر او مېلمستون به هم جوړ شي.

ولسمشر غني د پکتیا له ولسونو وغوښتل چې د والي په مشرۍ دې ولایتي شورا، قومي مخور او مدني ټولنې په شریکه د نوې قوماندانۍ د جوړېدو لپاره ځای مشخص کړي او په عاجل ډول به دوی دغه پروژه پیل او بشپړه کړي:

«د پکتیا امنیه قوماندانۍ د جوړېدو لپاره بودجه د کورنیو چارو له وزیر سره شته تاسې شکایت کړی وو چې دغه قوماندانې د ښار په منځ کې ده نو تاسې فیصله وکړئ، چې چېرته یې غواړئ والي صاحب، ولایتي شورا او ټول سره کینئ فوراً به کار شروع او قوماندانې به پای ته ورسېږي.»

ولسمشر وویل دغه ټولې پروژې به سږ کال پیل او یو شمېر یې که د کومو طبیعي ستونزو او مشکلاتو پر اساس پاتې کېږي په راتلونکي کال کې به د ۹۷ کال تر پایه سر ته ورسېږي.

ولسمشر ژمنه او ورسره راغلیو د کابینې غړیو او پلاوي ته سپارښتنو پر اساس د پکتیا ولسونه، مدني فعالان او د جلسې ګډونوال خوښ وو ویل یې، که چېرته د ولسمشر وروستۍ څرګندونې عملي شي تر ډېره بریده به یې غوښتنې پوره شوې وي، د ځوانانو پارلمان غړی شفیق الله سحر وویل:

«ولسمشر پکتیا ته په سفر کې له پکتیاوالو سره ډېرې ښې وعدې وکړې او پکتیاوال یې له څرګندونو ډېر خوشال وو او که چېرته یې دغه وعدې عملي شوې نو بیا، خو د پکتیا ستونزې هوارېږي او په خپله ولسمشر وویل چې که چېرته دا کارونه ونه شول تاسو په پاڅونونو او مدني فعالیتونو او مبارزو سره له ما دا حق واخلئ.»

دا پکتیا ته د افغان ولسمشر محمد اشرف غني درېیم کاري سفر دی چې دغه ولایت ته یې ترسره کوي او په دې وارو سفرونو کې یې د نظامي او ملکي اداري چارواکو ترڅنګ له ولسونو سره لیدنه کړې خو داځل یې په خپل سفر کې پکتیاوالو ته د عملي کار او د متوازن انکشاف په لړ کې پکتیا ته د جدي پاملرنې خبره وکړه.

ولسمشر غني پکتیا ولایت ته دغه سفر پر داسې مهال کوي چې د تېرې سې شنبې په ورځ په دغه ولایت کې د وسله والو طالبانو په ډله ییزو انتحاري حملو کې د دغه ولایت د امنیه قوماندان په ګډون ٦۰ تنه ووژل شول.

وزیر دفاع پاکستان:

نقش هند در امور امنیتی افغانستان را نمی‌پذیریم

وزیر دفاع پاکستان گفت: اسلام‌آباد هرگز نقش‌آفرینی هند در مسائل مربوط به امنیت منطقه و افغانستان را نمی‌پذیرد.

خرم دستگیر خان وزیر دفاع پاکستان گفت: اسلام‌آباد هرگز نقش‌آفرینی هند در مسائل مربوط به امنیت منطقه و افغانستان را نمی‌پذیرد.

وی افزود: امنیت پایدار در افغانستان از هر لحاظ به نفع پاکستان است اما نقش هند در این زمینه را نخواهیم پذیرفت.

دستگیرخان تأکید کرد: کریدور اقتصادی چین به نفع تمام کشورها می‌باشد و فرصت‌های شغلی مناسب برای مردم بلوچستان و سایر نقاط فراهم می‌کند بنابراین امریکا و هند نباید نسبت به اجرای این پروژه معترض باشند.

سخنان وزیر دفاع پاکستان در حالی مطرح می‌شود که مقامات امریکایی چندی پیش اعلام کردند برای برقراری امنیت در منطقه و زیر نظر گرفتن فعالیت تروریست‌ها در پاکستان از هند کمک خواهند گرفت.

لازم به ذکر است که هند با اینکه حاضر نشد نیروی نظامی به افغانستان اعزام کند اما برای آموزش نیروهای ارتش افغانستان به توافق رسیده است.

به‌خاطر خدا همه زندانیان...

تروریستی اخیر در ولایت‌های پکتیا، غزنی، قندهار، کابل و غور تاکید کردند که راهبرد امنیتی و مدیریتی دولت باید در قبال نا امنی‌های جاری در کشور تغییر کند، در غیر آن کاری از این حکومت ساخته نیست.

برخی اعضای کمیسیون امنیت داخلی و امور دفاعی مجلس سنا همچنین یاد آور شدند که مسوولان نهادهای امنیتی و کسانی که در دور پیش رییس جمهور قرار دارند، واقعیت‌ها را به آقای غنی بازگو نمی‌کنند و به همین خاطر مشکلات بیشتر شده است.

این کمیسیون در پیوند به اوضاع جاری در کشور خواستار تنظیم نشست با رییس جمهور شدند و فضل‌هادی مسلم‌یار رییس مجلس سنا نیز به این کمیسیون هدایت داد تا طرح امنیتی خود را به منظور پیشنهاد با رییس جمهور آماده کنند و او زمینه نشست اعضای این کمیسیون را با آقای غنی مساعد می‌سازد.

این در حالی است که در نتیجه افزایش حملات انتحاری در یک هفته اخیر بیش از ۲۰۰ نظامی و غیر نظامی کشته و بیش از ۳۰۰ فرد دیگر زخمی شده اند.

برکناری پنج کارمند...

در زمینه دستبرد به کامپیوتر حاضری کمیسیون و درخواست‌های تغییر و تبدیلی این پنج کارمند به ولایات از سوی رییس جمهور که بعدها پذیرفته نشده است متهم می‌کند.

با آنکه کمیسیون شکایات انتخاباتی از معتبر ترین نهاد در زمینه تامین شفافیت برگزاری انتخابات است اما موجودیت اختلافات میان اعضای ارشد این کمیسیون در حالی که کمتر از یک سال تا برگزاری انتخابات پارلمانی و شوراهای ولسوالی‌های زمان باقی مانده است، به شدت نگران کننده است.

هرچند یک روز پیش رییس جمهور غنی؛ امام محمد وریماج رییس دارالانشای کمیسیون مستقل انتخابات را به دلیل تاخیر در اجرایی مصوبات و کم کاری‌ها از وظیفه اش برکنار کرد اما موجودیت اختلافات در نهادهای انتخاباتی با آنکه اعتبار این کمیسیون‌ها را در نزد مردم کم می‌کند اما روند برگزاری به موقع انتخابات را نیز صدمه می‌زند.

ناجیه نوری

«پاکستان روابط بازرگانی را قربانی بازی‌های سیاسی نکند»

شماری از تاجران و صادرکننده‌گان میوه‌های تازه از افزایش قیمت تعرفه‌های گمرکی پاکستان بر محصولات صادراتی افغانستان به شدت انتقاد می‌کنند.

این تاجران بالابردن قیمت تعرفه‌های گمرگی بر محصولات صادراتی افغانستان از سوی پاکستان را یک اقدام غیرقانونی و یک‌جانبه می‌خوانند و تاکید دارند که پاکستان نباید روابط تجاری را قربانی مسایل سیاسی کند.

این تاجران هشدار می‌دهند که اگر قیمت تعرفه‌های گمرکی پاکستان بر محصولات صادراتی افغانستان کاهش نیابد، آنان دیگر صادرات خود را به پاکستان قطع خواهند کرد.

این گفته‌ها در حالی مطرح می‌شود که اتاق تجارت و صنایع افغانستان به تازگی اعلام کرده که پاکستان قیمت تعرفه‌های گمرکی بر محصولات صادراتی افغانستان را سه برابر افزایش داده است.

اتاق تجارت، تصمیم پاکستان مبنی بر افزایش قیمت تعرفه‌های گمرکی را مخالف اصول سازمان تجارت جهانی (WTO)؛ سازمان کشورهای سارک (SAARC)؛ سازمان اقتصادی ایکو(ECO) و قرار داد سافتا (SAFTA) « که هر دو کشور عضویت این سازمان‌ها را دارند خوانده و خواستار کاهش هر چه عاجل قیمت تعرفه‌های گمرکی شده است.

خان‌جان الکوزی معاون اتاق تجارت افغانستان می‌گوید: معلومات ما این است که پاکستان این عمل را در واکنش به اقدام حکومت افغانستان که شماری از افراد در نظام بعد از مشوره با سکتور خصوصی، تعرفه بر بعضی صادرات پاکستان را بلند کرده است، انجام داده است.

به گفته معاون اتاق تجارت، افغانستان در ۲۰۱۳ میلادی، سالانه از پاکستان ۷۰هزار کانتینر مواد وارد می کرد؛ اما سیاست های نادرست پاکستان، باعث شد که این رقم در سال ۲۰۱۶ میلادی به ۴ هزار کانتینر پایین شود.

الکوزی می‌گوید: اکنون صادر دو صد قلم مواد صادراتی افغانستان شامل میوه های تازه و خشک، قالین، سبزیجات، نباتات طبی، سنگ زغال، سنگ های قیمتی و نیمه قیمتی و مواد دیگر به پاکستان، متوقف شده است.

معاون اتاق تجارت گفت که قبلاً تعرفۀ یک تن انگور ۸۰۰۰ کلدار پاکستانی بود؛ اما اکنون به ۲۸ هزار کلدار بالا رفته و همچنان تعرفۀ یک تن سیب و انار، از ۸۰۰۰ کلدار به ۲۱ هزار کلدار افزایش یافته است.

به گفتۀ او، پاکستان اخیراً برخی سهولت‌ها را در خط دیورند ایجاد کرده بود و تاجران افغانستان و پاکستان، در جریان امسال نزدیک به ۱۳۳ هزار تن میوۀ تازه از افغانستان به پاکستان برده اند.

واما شماری از آگاهان اقتصادی به این باور اندکه همواره مسایل تجارتی افغانستان با پاکستان، قربانی سیاست‌های هر دو کشور شده‌است.

سیف‌الدین سیحون آگاه مسایل اقتصادی می‌گوید: برعکس سایر کشورهای دنیا همواره تجارت میان افغانستان و پاکستان تحت تاثیر مسایل سیاسی قرار می‌گیرد و متاسفانه دستگاه‌های سیاسی هردو کشور هم پاکستان و هم افغانستان، برپایه عقلانیت تصمیم نمی‌گیرند، بل همیشه مسایل تجارتی را قربانی مسایل سیاسی می‌کنند.

به گفته او: درحال حاضر روابط میان کشورها روابط سیاسی است که بدون شک روی روابط اقتصادی تاثیر می‌گذارد و نگاه پاکستان هم نسبت به افغانستان یک نگاه سیاسی- امنیتی است؛ اما برعکس افغانستان این توانایی را ندارد که نگاهش نسبت به پاکستان سیاسی باشد و برای حل مشکلات اقتصادی از مسایل سیاسی استفاده کند.

استاد سیحون تاکید کرد:«متاسفانه افغانستان نه این توانایی را دارد و این درک را دارد که از مسایل سیاسی در اقتصاد استفاده کند و مشکلات اقتصادی خود با پاکستان را از طریق مسایل سیاسی حل کند؛ اما پاکستان این توانایی را دارد و ما شاهد هستیم که همواره از آن نهایت استفاده را می‌برد».

به گفته او: «باآنکه افغانستان همواره سعی کرده تا وابسته‌گی ترانزیتی به پاکستان را به حداقل برساند؛ اما موفق نبود؛ بنابراین پاکستان از این نقطه ضعف باخبر است و از آن نهایت استفاده سیاسی را می‌برد».

او افزود: خصوصاً در شرایط فعلی که پاکستان به شدت تحت فشار کشورهای امریکا و غرب قرار دارد؛ بنابراین فشارهای اقتصادی نسبت به افغانستان را بیشتر ساخته تا از این طریق بتواند هم افغانستان و هم دنیا را به تمکین از خود وادار نماید.

این آگاه اقتصادی تصریح کرد، اما نباید فراموش کرد که نگاه امریکا و استراتیژی جدید ترامپ در مورد پاکستان مساله زیاد جدی نیست، زیرا پاکستان شریک استراتیژی امریکا و غرب است و معاملات فراوانی سیاسی باهم دارند؛ بنابراین پاکستان با استراتیژی جدید ترامپ منزوی نخواهد شد.

استاد سیحون همچنان گفت: سیاست امریکا نسبت به پاکستان یک سیاست ریاکارانه است و این دوکشور روابط بسیار عمیق سیاسی دارند و روابط پاکستان و امریکا، پاکستان انگلیس و پاکستان ناتو یک روابط فراتر از مسایل افغانستان است و منافع دراز مدت دارند.

فیسبوک نامه

بهار مهر

حملات پیهم طالبان تروریست در کشور، هیچ تغییری در نگاه مردم به طالبان و همدستان خون‌آشام انان به وجود نمی‌اورد و نه هم از عزم مردم برای رسیدن به یک افغانستان قدرتمند، مرفه و تحقق ارمان‌های دیموکراتیک و هم‌دیگرپذیری مردمان باهم برابر و برادر ما کم می‌کند. حلقات اجیر، هم‌فکران متحجر و قبیله‌گرایان قرون وسطایی طالبان نیز باید بدانند که تداوم جنگ بیشتر از هر کس و هر چیزی، افت و اتش بزرگ به خرمن خودشان است.

حکومت بایست پیش از این‌که زخم‌های مردم ناسور شود، جلو فساد، ازهم‌گسیخته‌گی ساختارهای امنیتی، تبعیض، خویشخوری و گروه‌گرایی را بگیرید و منافع کلان کشور را قربانی بازی‌های سیاسی نکند. منافع ملی ما ایجاب می‌کند تا همه طرف‌های سیاسی برای تقویت گفتمان‌های سازنده و بهبود اوضاع، دست‌به‌دست هم داده و کشور را از بحران کنونی نجات دهند. کشورهای همسایه به ویژه پاکستان به عنوان حامی تروریسم باید منافع خود را در یک افغانستان با ثبات، ارام و دموکراتیک جست‌وجو کند.

نورالله ولی‌زاده

وضعیت در افغانستان به گونه‌یی است که وقتی تاجیکی بر می‌خیزد و می‌گوید که وضع و حال موجود خوب نیست و بیایید که اصلاحش کنیم، یک تاجیک دیگر بر می‌خیزد و می‌گوید که نخیر چنین نیست. چه مشکلی وجود دارد؟ اگر پشتونی برخیزد و اعتراض کند، پشتون دیگری می‌خیزد و جواب دندان‌شکنی به معترض می‌دهد؛ اگر هزاره‌یی بگوید که وضع خراب است، هزاره دیگری در مقابلش می‌ایستد و از وضع موجود دفاع می‌کند؛ هکذا اگر ازبیکی ناراض باشد، ازبیک دیگری او را سرکوب می‌کند و...!

ظاهرا طوری وانمود می‌شود که مساله قومی چندان مهم و تعیین کننده نیست، اما عمیق‌تر که بنگریم، عامل قومیت در سیاست افغانستان بسیار بسیار تعیین کننده است و اما این تعیین کننده‌گی در نزد افراد و گروه‌هایی که براریکهٔ قدرت جلوس کرده‌اند و کشورهای بیرونی که ذیعلاقه و ذیدخل در مسایل افغانستان‌اند، به ابزاری و وسیله‌یی برای تحقق اهداف شخصی تبدیل شده است. این یکی از عمده‌ترین عوامل دوام جنگ و بی‌نتیجه بودن تلاش‌های صلح‌جویانه است. جنگ و صلح ما به نتیجه نمی‌رسد تا با این واقعیت برخورد واقع‌بینانه، منطقی و جدی نکنیم.

ناهید فرید

اگر حکومت در قبال دشمن سیاست روشن می‌داشت، بدون شک مردم افغانستان علیه دشمن مشترک خود بسیج می‌شدند. حکومت افغانستان سال‌هاست که سیاست ناکام خود را در قبال پاکستان و گروه‌های مزدورش دنبال می‌کند. در بهترین فرصت‌ها، به جای فشار وارد کردن بر دشمنانِ دیرینه مردم افغانستان، از اغماض و سکوت استفاده کرده است. ملاقات دوگانهٔ رییس حکومت وحدت ملی با رییس ستاد ارتش پاکستان، برادر خواندن و مخالف سیاسی خواندن طالبان، امضای موافقت‌نامهٔ تبادلهٔ اطلاعات با پاکستان، بی‌تفاوتی نسبت به ستون پنجمی‌هایی که با طالبان ابراز همدردی می‌کنند و کشاندن جنگ به حوزهٔ مسایل خطرناک قومی، دامنهٔ بی‌اعتمادی مردم را نسبت به نظام به شدت گسترده کرده است، اما این دلیل شده نمی‌تواند که نخبه‌گان سیاسی، احزاب، رسانه‌ها و بقیه گروه‌های فشار نیز دنباله‌رو این سیاست ناکام باشند. در مردم‌سالاری، مالکیت نظام سیاسی به ملت تعلق دارد و هرکدام ما به عنوان شهروندان مسوولِ این مملکت، وظیفه داریم این احساس تعلق را به مردم افغانستان بدهیم. مردم باید در برابر دشمن مشترک خود که فقط در سه روز صدها شهروند ما را در چهار گوشهٔ کشور قتل عام کرده، بسیج شوند و به سکوت ننگین در مقابل مزدوران هرگز تن ندهند.

نگاهی به کتاب «فرستاده»

دیدار مشرقی ////////// بخش دوم و پایانی

چرا خلیل‌زاد نگران از تندروی اسلامی و ضایع شدن حق مردم و فقدان عدالت در جامعه نبوده است؟ چرا خلیل‌زاد برای دموکراسی و حق شهروندی تلاش نمی‌کند که قوم‌گرایی در آن جایگاه‌اش ضعیف می‌شد. پرسشی که به میان می‌آید؛ آیا واقعاً اگر یک غیر پشتون به اریکهٔ قدرت تکیه می‌زد، افغانستان راه ثبات را طی نمی‌کرد؟ در حالی که با وجود نظام ریاستی تقریباً متمرکز، بعد از یازده سپتامبر مدام یک پشتون تحت حمایت امریکا رییس‌جمهور بوده، آیا ثبات سیاسی-امنیتی در افغانستان به وجود آمده است؟ خلیل‌زاد با قدرت سیاسی و پشتوانهٔ امریکای‌اش از یک‌سو و خام بودن و فقدان دورنگری ائتلاف شمال و سیاست‌مداران تاجک‌تبار، به آسانی توانست که توافق هیأت روم را دور بزند و برخلاف توافق آن‌ها و فشار آوردن بر ظاهرشاه، یک پشتون [حامد کرزی] را نامزد ریاست‌جمهوری کند. (ص ۱۲۶) تقریباً اکثر قلم‌به‌دستان اعتقاد دارند که تا هنوز هیچ شاه و حاکم در افغانستان نیامده است که طرح برای توسعه و امنیت سراسری و برابری شهروندی داشته باشد. به جز موارد کوچک که آن‌هم قربانی رفتار تندروانه قبیله گردید، اما خلیل‌زاد در این‌جا گزارش سازمان استخبارات امریکا «CIA» را نادرست می‌داند و برای رییس‌جمهور بوش قسم دیگر توضیح می‌دهد. خلیل‌زاد حتا بر خلاف واقعیت موجود در افغانستان، از گرایش هویت‌خواهی افغانی می‌گوید. «من به رئیس‌جمهوری گفتم که روایت CIA خیلی هم درست نیست. توضیح دادم که حتا در دوره‌های که جنگ داخلی کشور را به تجزیه تهدید کرده بود، احساس نیرومند هویت ملی افغانی گروه‌های گوناگون قومی را یک‌جا کرده بود. این جا یوگوسلاوی نیست که جوامع بخواهند در کشورهای مجزا زنده‌گی کنند. هویت افغانی و ملی‌گرایی نیرومند است.» (ص ۱۱۴) این چیزی است که بسیاری از نویسنده‌گان غیر پشتون مدام مخالف آن بوده است. مگر جنگ داخلی جدای از تبارز هویت‌خواهی بود؟ در این مورد من در کتاب بحران هویت ملی از زبان و قلم نویسنده‌گان به تفصیل گفته‌ام. به باور بسیاری از نویسنده‌گان، بحران کنونی افغانستان در گیرو بحران هویت ملی و زیاده‌خواهی قبیله‌یی است که در آن، باور قبیله به ارزش‌های سنتی، مانع آن شده است که کشور دریچه به سمت توسعه را بگشاید.

خلیل‌زاد در کتابش اشاره داشته است زمانی که در افغانستان به ویژه وقتی که نمایندهٔ خاصِ جورج بوش در اوایل حکومت کرزی بوده است؛ هر روز با کرزی دیدار داشته است. کرزی در آن وقت که به حمایت و پشتبانی امریکا به قدرت رسیده بود، هیچ کاری را بدون مشورت خلیل‌زاد یا شاید دستور او انجام نمی‌داده است. این خلیل‌زاد بوده که در مورد چگونه‌گی برخورد حکومت افغانستان با ائتلاف شمال، جنرال دوستم و اسماعیل خان، کرزی را رهنمایی می‌کرده است. خلیل‌زاد خود واضح می‌گوید، در دوره‌یی که او سفیر بود، سفارت امریکا کارکرد عادی نداشت. یعنی سفارت عادی نبود و او از این‌که به عراق تبدیل شده بود، از عادی شدن سفارت پس از ترک افغانستان، اظهار نگرانی می‌کند. (ص ۲۳۵) در واقعیت امر، حاکم اصلی در آن‌زمان خلیل‌زاد بوده است، طوری که خودش می‌گوید، مدام با رهبران جهادی در تماس بوده و اقناع آنان را به هر نحوی می‌گرفته است. البته اگر کسی استنباط قومی از این نوشته نکند، از کتاب خلیل‌زاد به وضوع معلوم می‌شود که هزاره‌ها در امر سیاست چنان منزوی و غیر فعال بوده است که در تمام کتاب، فقط دو بار نام خلیلی؛ آن‌هم در صفحهٔ ۱۹۸ می‌آید. هزاره برای امریکا و خلیل‌زاد هیچ‌وقت نه تهدید بوده است و نه مهم. از آقای محقق منحیث مهرهٔ دیگر سیاسی هزاره‌ها، خلیل‌زاد هیچ زمان اسم نمی‌برد. از کتاب فرستاده به وضوع به این امر می‌شود پی برد که جامعهٔ جهانی و قدرت‌های برتر دنیا، به نیروها و سازمان‌هایی اهمیت قایل اند که قدرت به چالش کشیدن نظام را از راه خشونت داشته باشد که این مورد بدون شک خوشایند نیست.

از آنجایی که می‌شود در مورد کتاب فرستاده زیاد حرف زد و از حوصلهٔ این نوشته خارج است، از دوستانم که به نحوی در امری سیاست افغانستان علاقه‌مند و دخیل می‌باشند، می‌خواهم که این کتاب را بخوانند. در این کتاب می‌شود به بخش از پیچیده‌گی بازی سیاست آگاه شد. این کتاب کمک می‌کند تا بدانیم سیاست تنها آن نمود ظاهری بازی سیاسی نیست و پشت‌پردهٔ سیاست نقش تعیین کننده‌یی در روابط سیاسی دارد که منحیث اطلاعات طبقه‌بندی شده تا سال‌ها از مردم پنهان می‌ماند. کتاب فرستاده یکی از بهترین بازتاب دهندهٔ تاریخ معاصر ما است. بنابراین، این کتاب اهمیت و ارزش خواندن را دارد.

ورزش

اولین دور رقابت‌های مشت‌زنی دانشجویان در کابل برگزار شد

فدراسیون ملی مشت‌زنی کشور اولین دوره رقابت‌های مشت‌زنی دانشجویان را با حضور یک هزار ورزشکار از ۱۳ ولایت در کابل برگزار کرد.

مجیب قاری‌زاده، مسوول فدراسیون ملی مشت‌زنی افغانستان گفت که در این رقابت‌ها ۱۰۰۰ ورزشکار دانشجو از ۱۳ ولایت و ۹ دانشگاه خصوصی و دولتی در ورزشگاه ۲۵۰۰ نفری ریاست عمومی تربیت بدنی و ورزش حضور دارند.

این رقابت‌ها در ۱۰ بخش وزنی ۴۹ تا مثبت ۹۱ کیلوگرم و در بخش‌های سنی ۱۸- ۲۸ سال راه‌اندازی شده است که تا سه روز ادامه خواهد داشت.

این دوره از مسابقات با حضور عبدالله شکیب ستاری، رییس فدراسیون ملی مشت‌زنی، هدایت‌الله مومند، معاون فنی این فدراسیون و نورالرحمان تره‌خیل، مشاور کمیتهٔ المپیک و منقوش نسیمی رییس فدراسیون دانشگاه‌های افغانستان برگزار شده است و در پایان این رقابت‌ها ۱۰ چهرهٔ برتر برای شرکت در رقابت‌های آسیایی انتخاب می‌شوند.

افغانستان مقام اول را در کپ انترکانتیننتال به دست آورد

افغانستان توانست که در یک بازی رقابت‌های چهار روزهٔ کپ انتر کانتیننتال، تیم هانگ کانگ را شکست دهد و مقام اول را در جدول این رقابت‌ها از آن خود کند.

این بازی چهارروزه با هانگ کانگ، در میدان مونگ هونگ کشور هانگ کانگ آغاز شد و دیروز قبل از وقت تعیین شده، با پیروزی افغانستان به پایان رسید.

تیم هانگ کانگ، برنده قرعهٔ این بازی شده و در اننگز اول خود، فقط ۱۴۶ دوش انجام داد؛ تیم افغانستان نیز در اننگز اول با از دست دادن پنج بازیکن خود، ۴۶۵ دوش انجام داد و با تفاوت ۳۱۹ دوش زیادتر، از تیم مقابل پیش شد.

در این بازی از سوی افغانستان، جاوید احمدی ۱۰۸، اصغر ستانکزی ۱۲۵، محمد نبی ۶۳، احسان‌الله ۶۳، رحمت شاه ۵۷ و ناصر جمال ۳۷ دوش انجام داده اند.

اما تیم هانگ کانگ در اننگز دوم، یک بار دیگر نتوانست که با بالران افغانستان مقابله کند و تمامی بازیکان تیم یاد شده در ۱۵۰ دوش، از میدان خارج شده و افغانستان توانست که این بازی را با تفاوت یک اننگز و ۱۷۳ دوش ببرد.

در بالینگ از سوی افغانستان، راشد خان ۷، ظاهر خان، دولت خُدران ۵ و محمد نبی عیسی خیل ۳ بازیکن را از میدان خارج کرده اند.

با این پیروزی، به افغانستان ۲۰ نمره داده شد که مجموعهٔ نمرات آن در جدول رقابت‌های یاد شده، به ۱۰۱ نمره رسید. ایرلند با کسب ۸۷ نمره در مقام دوم و هالند با گرفتن ۵۳ نمره، مقام سوم را گرفته است.

در رقابت‌های انترکانتیننتال کپ، کشورهای افغانستان، ایرلند، هالند، امارات متحدهٔ عرب، سکاتلند، پی ان جی، هانگ کانگ و نامیبیا اشتراک کرده بودند. افغانستان، قبل از این بازی، پنج بازی کرده که یکی را مساوی و چهار بازی دیگر را به پیروزی خود انجام داده است.

● **صاحب امتیاز:** احمد ولی مسعود
◄ **مدیر مسؤول:** نظری پریانی – ۰۷۰۰۲۶۳۱۵۲
nazari.paryani@yahoo.com
ویراستار : روح الله یوسف زاده
مدیر خبر : جمشید یما
گزارشگران: ناجیه نوری، هارون مجیدی، ابوبکر صدیق و روح‌الله بهزاد
برگ آرایی: مجیب‌الله احمدی– ۰۷۹۵۰۶۷۴۶۳

✉ **نشانی برقی:** mandegar.daily@gmail.com **وب سایت:** www.mandegardaily.com
شماره تماس: ۰۷۵۲۰۴۴۲۱۰
مسؤول توزیع: نادری – ۰۷۴۴۶۰۰۶۳۰
نشانی: سرک ۱۳ وزیراکبرخان، کوچه چهارم دست چپ
به جز «سخن ماندگار» مسؤولیت دیگر نبشته‌ها به نویسنده‌گان برمی‌گردد.
چاپ: مطبعه امام – ۰۷۹۹۱۴۲۹۹۹

Year 9 ❁ NO 2126 ❁ Monday 23 October 2017

DAILY
Mandegar

مسعود فراتر از مرزها ۳۳

هارون مجیدی

مجموعه مقالات چهارمین کنفرانس بین‌المللی مسعودشناسی در کسوتِ کتابی به نام «مسعود فراتر از مرزها»، از نشَانی بنیاد شهید مسعود نشر شده است. این مجموعه مقالات به همت سید احمدهاشمی و تهیه و تدوین شده و در خزان ۱۳۸۴ خورشیدی، لباس چاپ به تن کرده است.

این مجموعه توسط ویس مهرزاد طرح و صفحه‌آرایی و در سه هزار نسخه نشر شده است.

گفتنی است که چهارمین کنفرانس بین‌المللی مسعودشناسی از ۱۶ تا ۱۸ سنبلهٔ ۱۳۸۴ در کابل برگزار شده بود.

در بخشی از نخستین یادداشت این مجموعه می‌خوانیم: احمدشاه مسعود هر چند با درنگی کوتاه آمده بود، اما او همانی بود که سرانجام از غبار قرن‌ها بیرون آمد تا با تبسمی آسمانی و چهرهٔ بهاری، سبز و پُرطراوت بر سر موعد تاریخ بایستد و به شفاف کردن آیینه‌ها بپردازد و یک تکهٔ آسمان را به چشم‌های سرزمین‌اش تعارف کرد.

او در ره‌گذار تاریخ ایستاد تا برای سرزمین‌اش قصیده‌یی بنویسد که واژه‌واژهٔ آن در رگ‌های زمان می‌دود و بر فراز هندوکش نور می‌پاشد. و اکنون تاریخ در زیر گام‌های پُراشتیاق او به خود می‌بالد و تصویر روشن او را به ذهن خود می‌سپارد تا رسیدن به فرداها... و اکنور فقط از نام او، از نام سبز او همیشه غزلی ناب در حال رویش است و از اوج صدایش در دل تاریخ ترانه‌هایی می‌بارد که آزادی و آزاده‌گی را تداعی می‌کند، در تمامی فصل‌ها و در تمامی ذهن‌ها.

و اکنون اندیشهٔ اوست که گشایندهٔ درهای باز نشده‌یی‌ست، زیرا او تنها سری بود که به سروری دشت‌ها و کوه‌ها و کویرهای سرزمین‌اش صادقانه برخاسته بود. زیرا او بود که زخم‌های سرزمین‌اش را بر شانهٔ بلند و آسمانی خود جای داده بود، زیرا او بود که نگاهش حجم بی‌پایان آرامش و امید بود، زیرا تنها او بود که همهٔ اوج‌های پُرارج ملی و دینی‌اش را از آن خود کرد.

مجموعهٔ مسعود فراتر از مرزها شامل سخنرانی‌ها و نوشته‌هایی از پروفیسور شهید برهان‌الدین ربانی، حامدکرزی، فرانسیس وینسدرل، فرهاد محکموف، رسلان سلطان، راجیو سود، محمدرضا بهرامی، عبدالله عبدالله، عبدرب الرسول سیاف، علی احمد جلالی، یونس قانونی، امیر محمد اسمعیل خان، سید مصطفی کاظمی، حکمت چتن، تاج‌محمد مجاهد، حاجی دین محمد، عبدالرشید دوستم، فتانه گیلانی، فرانسوا، سندیگال، وینود سایگل، فریدون جنیدی، مومن قناعت، کارگون، مهر النسا، ارشادنیا، شرف الدین امام اوف، پروین سادات، پال لموت، عطامحمد نور، پتریشیه له لاند و احمدولی مسعود می‌باشد.

کنفرانس بین‌المللی مسعودشناسی در سال‌های پسین به مناسبت سالروز شهادت قهرمان ملی برگزار می‌شد که در آن، شمار زیادی از نویسنده‌گان، پژوهشگران، هم‌سنگران و یاران او پیرامون کارنامه و پیامد مبارزات مسعود مقاله می‌نوشتند و صحبت می‌کردند. جریان مکمل این کنفرانس‌ها چاپ شده اند.

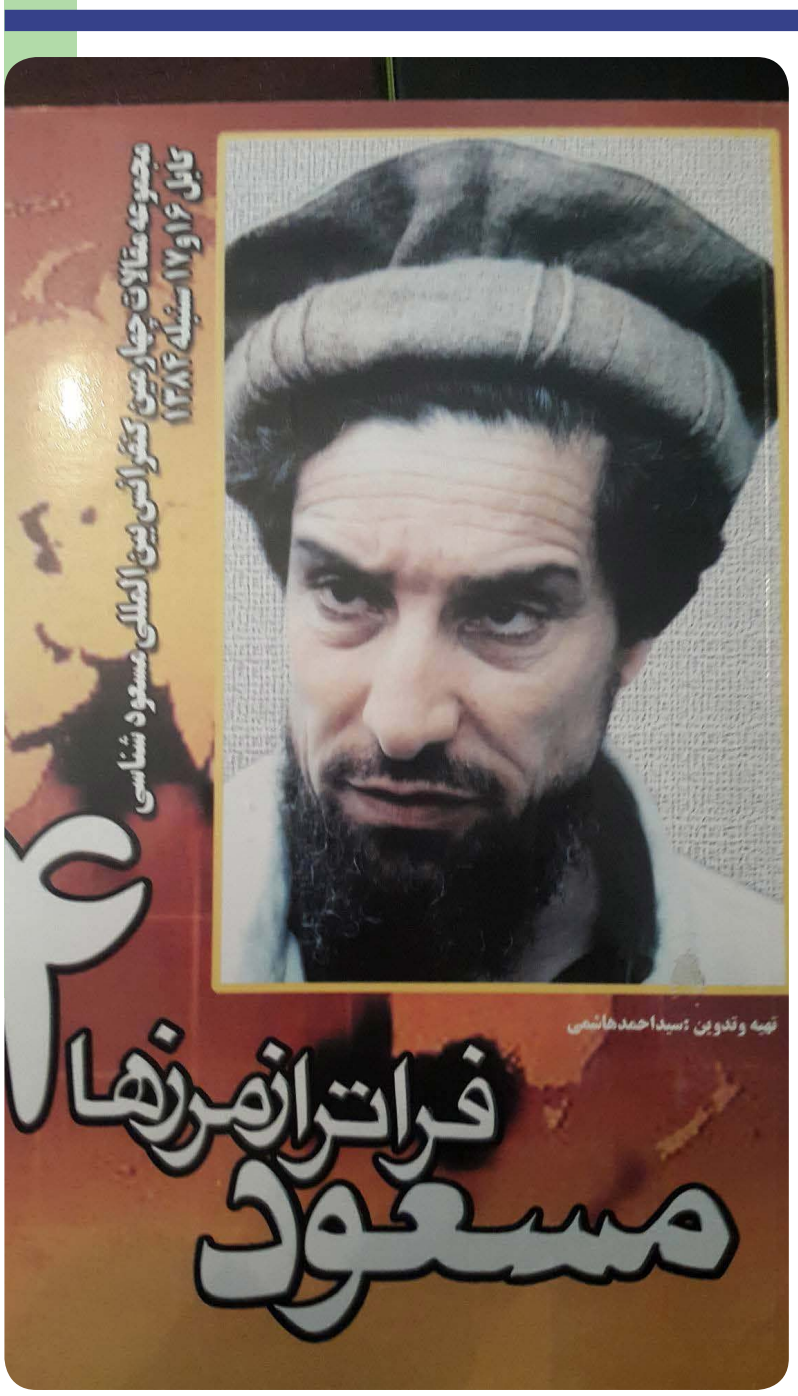

سازمان ملل:

نگران وضعیت زنان در افغانستان هستیم

صندوق جمعیت سازمان ملل متحد در تازه‌ترین گزارش خود هشدار می‌دهد که اگر نابرابری‌ها هر چه زودتر رفع نشوند و فقیرترین زنان قادر به تصمیم‌گیری در مورد زنده‌گی‌شان نشوند، کشورها با آشوب روبه‌رو شده و تمام تلاش‌ها برای دست‌یابی به صلح و انکشاف با ناکامی روبه‌رو خواهد شد.

«گزارش وضعیت نفوس جهان در ۲۰۱۷» می‌گوید که از مجموع دختران افغانستان، تنها ۲۳ درصد می‌توانند تحصیلات خود را تا سطح عالی پیش ببرند.

در این گزارش آمده است که تنها نیمی از زنان جهان شغل درآمدزا دارند و این رقم در افغانستان به کمتر از ۲۰ درصد می‌رسد.

در قسمتی از گزارش آمده است که ناکامی در فراهم‌سازی خدمات صحت باروری به شمول تنظیم خانواده برای فقیرترین زنان، اقتصاد کشورها را تضعیف کرده و مانع رسیدن به هدف درجهٔ اول اهداف انکشاف پایدار (فقرزدایی) می‌شود.

سازمان ملل متحد می‌گوید که در افغانستان سطح دسترسی فقیرترین زنان به امکانات تنظیم خانواده یا فاصله‌دهی بین ولادت‌ها و دسترسی به خدمات قبل از ولادت در پایین‌ترین حد است و در اکثر موارد زنان بدون حضور دکتر یا قابله ولادت می‌کنند.

این گزارش از قول سروی صحت افغانستان می‌گوید که تنها ۲۳ درصد زنان از راهبردی برای تنظیم خانواده استفاده می‌کنند.

بانت اندیانابانجی، نمایندهٔ صندوق جمعیت ملل متحد در افغانستان می‌گوید، برای رفع نابرابری‌ها در افغانستان نیاز است که کار از محو نابرابری‌ها در معارف ، حقوق و صحت باروری آغاز شود تا «زنان حق انتخاب ادامهٔ تحصیل، زمان عروسی، زمان مادرشدن و تکرار حمل‌گیری را داشته باشند.»

در خبرنامه‌یی که سازمان ملل فرستاده، جاوید رسولی، رییس ادارهٔ نفوس‌شماری/ احصاییه روند جمعیت کشور را خوش‌بینانه نمی‌داند. آقای رسولی گفته است که دولت افغانستان برای از میان برداشتن این نابرابری‌ها میان زنان و مردان متعهد است.

بر بنیاد این گزارش، محدودیت دسترسی به خدمات تنظیم خانواده در کشورهای در حال توسعه، همه‌ساله باعث ۸۹ میلیون ولادت ناخواسته و ۴۸ میلیون سقط جنین می‌شود.

گزارش وضعیت جهان در ۲۰۱۷ همچنان می‌گوید، ازدواج‌های پیش از وقت و ازدواج کودکان، نرخ بالای زادوولد و عدم استفاده از تنظیم خانواده یا فاصله بین ولادت‌ها، سبب مرگ‌ومیر بیش از حد مادران در افغانستان می‌شود.

صندوق جمعیت سازمان ملل می‌خواهد که همگام با تلاش‌ها برای رسیدن به اهداف انکشاف پایدار نخست باید روی مواردی توجه شود که از همه عقب‌ترند.

بر بنیاد گزارش دیموگرافی و صحت افغانستان در سال ۲۰۱۵ اکنون رقم مرگ مادران در هر صدهزار ولادت زنده به ۱۲۹۱ واقعهٔ مرگ رسیده است.